



خبرنامه

سال دوم

چریکهای فدائی خلق ایران - مله ندران

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۲۱

شماره: ۵۸

پناه ۳ ریال

بلندترین مبارزات قهرمانان،
در هر شکل و سطحی که باشند
در برکنش و سرافرازانه داد!

چاره اندیشی آقای بازرگان و او جگرگیری جنبش توده ها

حادثه بسیار جالب بود. آنها با سر نشینان اتومبیل های متوقف شده شروع به محبت و گفتگو کردند. و علل اعتراض خود را بدین شکل تشریح نمودند و موج تاءثر آنها را برانگیختند. حتی برخی از این مسافران با شنیدن داستان زندگی آنها و جنابیتی (بقیه در صفحه ۲)

حوادثی که در چند هفته اخیر در ایران وقوع پیوسته است، بار دیگر وضعیت عمومی مبارزه مردم ما را بمان نشان میدهد. در "گرمدره" کرج شاهد حمایت رژیم جمهوری اسلامی از "مستضعفین" بودیم. شهرداری به تمسیت اطلاق جنایتکارشان و درست بهمان شیوه ها آلونک های ۶۰۰ خانوادگی مستعبدیده و محروم را سرریشان خراب کرد. و با امداران ملج مثل همیشه با وحشیگریهای بی حساب خود، مردم محروم را بستوان آوردند. دستگاههای تبلیغاتی رژیم بشرمانه کوشیدند تا حرکت اعتراضی مردم را تحریک "دوا بر قدرت"! قلمداد نمایند. ولی مردم ماکه گوشهایشان دیرزمانی است از این حرفهای مفت و بوج پر شده، به آنها توجهی نکردند. ابنتکار آلونک نشینهای آواره شده در این

اکثریت

در خدمت جمهوری اسلامی

اکثریت خائن با اجازه وزارت کشور و تحت حمایت پلیس شهری در میدان آزادی میتینگی بمناسبت اول ماه مه برپا گزار کرد. در این میتینگ این خائنین به طبقه کارگرومر - تدان بی آبرو، اعلام کردند که نام سازمان خود را تغییر دادند. و از این پس خود را سازمان فدائیان خلق خواهند نامید (بقیه در صفحه ۵)

اخبار کردستان

(در صفحه ۶)

کشتار و سرکوب جنگ زدگان

در شیراز

(در صفحه ۷)

گوشه ای از مشکلات کارگران

شرکت ملی حفاری

(در صفحه ۱۲)

مراحل شاهانه و جمهوری اسلامی

نسبت به مرعشی نجفی

(در صفحه ۱۶)

صیادان و رژیم جمهوری اسلامی

(در صفحه ۱۲)

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها!

دنبال چاره اندیشی آقای بازرگان و اوجگیری جنبش توده‌ها

که رژیم جمهوری در حق آنها روا داشت آنقدر متاء شرسند که گریستند.

اما حادثه مذکور تنها حادثه برجسته چند هفته اخیر ایران نبود. در سالروز تعطیل دانشگاه، و کشتار دانشجویان انقلابی توسط جمهوری اسلامی بار دیگر رژیم جنایت پبشه و جنایت پبشگان رژیم، خون عده‌ای دیگر را بر زمین ریختند. کسانی را که برای اعتراض و در عین حال گرامیداشت خاطره دانشجویان شهید در مقام سل دانشگاه گرد آمده بودند، توسط ارگانهای سرکوب و اوباشان مزدور بشدت سرکوب کردند. در این حادثه پلیس و پاسداران مزدور از گاز اشک‌آور و سلاحهای آتشین استفاده نمودند و با ندهای سیاه سازمان یافته حزب جمهو - ری اسلامی و شرکاء اینبار نیز شقاوت ضد خلقی و ضد انقلابی خود را با صدای انفجار نارنجکها و سه راهیها به گوش همگان رساندند. و بیکر خونین چندین رزمنده دیگر، که برای همیشه دیده از جهان فرو پوشیدند، گوشه - ای از جنایات این مزدوران کثیف را برای بار دیگر در مقابل چشمان خونبار خلق ما بنمایش گذاشتند.

از اینها گذشته در چند هفته اخیر، درگیری پاسداران مزدور و اوباشان حزب جمهوری اسلامی با نیروهای سیاسی مترقی در بسیاری از شهرهای ایران از جمله حوادث دیگری است که باید بدان اشاره شود. بخصوص در قائم شهر این درگیری نقطه اوج بالائی را نشان داد. در این حوادث با زهم پاسداران مزدور جوانان رزمجو و انقلابی و مردم مبارز را بخاک و خون کشیدند. اما مقاومت قهرمانانه و پر شور مردم، کینه و نفرت عظیم آنها را نسبت به جمهوری اسلامی نشان داد. در این زد و خوردها، که مرکز ثقل آن شهرهای مازندران بود، عکسهای سران رژیم جمهوری اسلامی باره شد.* در هر حال برجستگی این حوادث چنان بود که رژیم وابسته نیز مجبور شد آنها را در رسانه‌های گروهی خود، البته بصورت تحریف شده آن اعلام دارد، البته مثل همیشه، مبارزه اعتراضی مردم ما هر روز در کارخانه‌ها و روستاها و گوشه و کنار شهرها، با اشکال متفاوت جریان دارد. درگیریهای متعددی که در همه جا مردم در یک سو، و پاسداران و اوباشان در سوی دیگر قرار دارند، نشان دهنده این امر است که توده‌های مادست از مبارزه و مقاومت تکشیده‌اند. شعله خشم و نفرت در دل مردم مازبانه میکشد و اینجاست آنجا، خود را بنحوی نشان میدهد.

در این میان اختلافات درونی سردمداران رژیم نیز همچنان ادامه دارد و خود را از تشکلهای مابین صفوف آنها نشان میدهد. پند و اندرزهای "امام امت" کارگرنیستاد. هیئت رسیدگی به حل اختلافات نیز کاری نمیتواند انجام دهد. ارگانهای مختلف متعلق به طرفین دعوا و مشاجره مرتباً "بر روی یکدیگر شلیک میکنند. بنی صدر در پیام خود بمناسبت روز کارگر، "حزب انحصار طلب" را علت بسیاری از بدبختیها دانست در مجلس گاربه دعوا و فحش و فضحیت کشیده شد. کاربه آنجا کشید که رئیس مجلس مجبوره تعطیل جلسه شد. خشم و نفرت توده‌ها، عدم وجود "وحدت کلمه" در میان سران قوم، باعث شده است تا ترس و اضطراب نیز بر جان آنها مستولی شود. آنها حس میکنند در توده‌ها چیزی میجوشد، آنها خشم توده‌ها را میبینند، آنها فرار سیدن طوفان را پیش بینی میکنند و بهمین لحاظ برخی از آنها فکر و ذکرشان را متوجه این کرده اند که چگونه میتوانند با نندبار دیگران چشمه جوشان را فرو خوا بیا نند.

هر کس برای خود عقیده‌ای دارد، حزب جمهوری اسلامی برای این اعتقاد است که اسلام یعنی جماع. بنا - اسلام و تحت آن توده‌ها را میفریبیم و همزمان با آن با جماع میکوبیم، با سلاحهای سرد و گرم بکشیم، بنا شکنجه آزار دهیم، با زندان عناصر رزمجور و از فعالیت با زداریم، هر صدای اعتراضی را خفه کنیم، با تیرباران - ها ایجا در عقب و وحشت کنیم، با باندهای سیاه، انقلابیون را میکوبیم، اینست راه نجات. اینست تنها راه حفظ رژیم. دارو دست بنی صدر میگویند، آری بکوبیم، بکشیم، ولی همه این کارها را باید طبق "قانون" انجام داد. تنها یک گروه "انحصار طلب" نباید همه این کارها را انجام دهد، همه باید زیر نظر و فرماندهی کل یعنی آقای بنی صدر به چنین اقداماتی دست زنند. البته بحث آزادم باید باشد، همه گروهها سیابند و مادقانه حرفهایشان را بزنند، تا از این طریق مردم احساس کنند که آزادی وجود دارد و استبداد غایب است. و اما دارو دست بازرگان: این دارو دست میگویند، اگر لائیه با هم کنار بیایند، اوضاع رو به راه میشود و با دیدمبارزات پارلمانتاریستی را تقویت کرد. بازرگان یکی از رهبران این دارو دست در مقاله‌ای بنام "مبارزه قانونی، و مبارزه مسلحانه" که در میزان دهم اردیبهشت به چاپ رسید، نیات ضد مردمی خود را با ردیگر آشکارا ساخت. اوبه سردمداران حکومت هشدار میدهد که اگر اوضاع بر این روال پیش رود، خدا می - داند که چه میشود. نگاه به این مقاله و روشن کردن برخی از نکات آن میتواند ترس و اضطراب سردمداران رژیم

وابسته کنونی را بر ملا کند.

آقای بازرگان با زهم مثل همیشه، با زیرکی خاص خود ضمن اعتراض به "انحصار ظلمان" از رژیم منحوس پهلوی دفاع میکند. مثلاً" میگوید:

" رضاشاهی روی کار آمد، امیدواریهایی داد و گامهایی در جهت امنیت و تجدید و حرکت و استقلال برداشت. همراه با دروغ و زور و اختناق، یعنی سر-قراری استبداد و فساد. ملت معنای امنیت و استقلال و عظمت را در شهریورست دید" و با اینکه میگوید:

" ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد، رمقی و دستگای هایشی داشت و چرخهها میگشت! اما حالا معلوم نیست چه داریم، چه میکنیم".

این تعریف و تمجید از رضاشاه و ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد، بارهای بار تکرار شده است. در حقیقت آقای بازرگان هیچگاه به اساس سلطنت پهلوی اعتراض نداشت، او هرگز مخالف وابستگی به خارج نبود، در ظاهراً آقای بازرگان فقط به این مسئله اعتراض دارد که رضاشاه و بایسروش این "گامها" را با استبداد نیز همراه نمودند و به نصایح "اربابان عاقلتر" خود گوش ندادند. مهندس بازرگان که خود و بسیاری از یارانش از سرمایه داران این مملکت هستند، کاملاً حق دارد که از رضاشاه و پسرش محمد رضاشاه تعریف و تمجید کند چرا که هم رضاشاه، و هم محمد رضاشاه، با سرکوب شدید توده ها و دیگر سیاستهای ضد مردمی خود تمام شرایط لازم را برای انباشتن جیب یکمشت سرما به دارکشیف وابسته فراهم آوردند. با ایجاد امنیت توسط "دستگاههای" سرکوب گذاشتند تا "چرخهای" سرما به جلوی ورود سرما به داران بتوانند به جیب اول و غارت ملت محروم ما بپردازند. رژیم پهلوی با پاسداری از منافع امپریالیستها، وسط و توسعه سلطه آنها "تجدد" آوردند. آنها با "بیگاری" کشیدن از توده ها، توانستند "حرکت" بوجود آورند. آقای بازرگان و داروستانه اش از بسیاری از این نعمات برخوردار بوده اند و بنا بر این نمیتوانند آرزو مند نظم آریا مبری نباشند. از نظر آقای بازرگان و یارانش تنها بدی حکومت پهلوی در این بود که ستم را از "حد" گذرانده بود و امثال آقای بازرگان هم دخالت چندانی در امور نداشتند. حتی در آستانه اعتلاء انقلابی مبارزات خلق ما در چند سال پیش، مهندس بازرگان در نامه ای که به شاه نوشت، از "اعلیحضرت" تقاضا کرد تا آنهمه بر استبداد دوزور تکیه نکند و بگذارد که مسائل از طریق بحث و مناظره حل شود. و نوشت که تحقق این امر منفع سلطنت اعلیحضرت است. و وقتی آقای بازرگان نخست وزیر ایران شدند، آشکارا ویسی پرده گفتند که "ما قصد داریم همه آن چیزی را که شاه درست کرد، خراب نمائیم ما همان کارهای عظیم را ادامه خواهیم داد، منتها با حذف دیکتاتوری. و سایر وقایع نشان داد که همان سیاست شاه دنبال شد با ضافه تشدید دیکتاتوری. اکنون مهندس بازرگان و داروستانه - اش وقتی تحت تعلیم "اربابان عاقلتر"، آئینده ایران را محسم میکنند و حال آنرا میبینند، بشدت ناراحت میشوند. وقتی میبینند در بعد از کودتای ۲۸ مرداد، ایران رمقی داشت، دستگاههای داشت و چرخها

میگشت! و وقتی میبینند که اکنون ایران رمقی ندارد، وقتی میبینند دستگایهای سرکوب فد خلقی علیرغم تمام کشت و کشتارها، علیرغم تمام آن جنایتها نمیتوانند خروش توده ها را فرو نشانند! وقتی میبینند مبارزات این مردم "پررو" نمیگذارند تا چرخهای این مملکت بر روال بعد از ۲۸ مرداد و طبق منافع امپریالیست - ها و بورژوازی وابسته به آن گردش کند، واقعا "دلگیر" میشود و آه از نهادش برمیآید.

از همه اینها گذشته، مهندس بازرگان که سرد و گرم روزگار را چشیده است، و تجربه شاه را بعینه مشاهده کرده است، از خشم و عصیان توده ها و از بی شاهنگان مبارز و مسلح او، ترس عظیمی دارد. به همین جهت میخواهد بقول خود راه حلی برای این مسئله پیدا کند.

آب نبات چوبی پارلمان

راه حل آقای بازرگان برای جلوگیری از گسترش مبارزه مسلحانه چیست؟ آقای بازرگان همان راه حل قدیمی را ارائه میدهد، البته با تفسیر خاص خود. او عقیده دارد تنها با تقویت پارلمانتاریسم، و مبارزه قانونی میتوان جلوی این شیوه کارسرا گرفت. شیوه ای که بقول خود آقای مهندس هیچ چیز را برای

مبارزه پارلمانی فریب توده ها است

مقاومت با آن نیست. اکنون ببینیم که خود آقای مهندس بازرگان در این مورد چه میگوید. او ابتدا سوال میکند، چه شد که مبارزه پارلمانی سستی و خیانت شمرده میشود و بعد جواب میدهد:

"..... برای اینکه مبارزه پارلمانی بی خاصیت و از جهت غیر ممکن درآمده بود و مبارزه مسلحانه تنها چاره منظر مآدمد و وقتی گفته میشد که جلسنیوی اینکار را هم خواهند گرفت و خه و بنا بودند آن میکنند، جواب میدادند یک نفر را که زیر شکنجه بکشند، ده نفر از میان مردم خواهد جوئید. از همان مردم بی زبان و مظلوم؛ مبارزه که روزگاری بصورت مقاومت درآمده بود، تبدیل به شامت می شد و وقتی عشق و شهاصت میآید، هیچ نیروئی دیگر تاب مخالفت با آنرا ندارد. دیدیم که همینطور هم شد."

ترس از مبارزه مسلحانه سرا وجود آقای بازرگان را بلرزه در میآورد. در عین حال او میخواهد از این خطر جانگاہی که همه مزدوران را تهدید میکند استفاده نموده و در مبارزه درونی ما بین حکومت کنندگان مو- قمیت برتری کسب کند. بازرگان با صراحت میگوید: "دیدیم که همینطور شد" و به رژیم و قدرتمداران کنونی هشدار میدهد، مواظب خود باشید، مواظب ما باشید، و کاری نکنید که از سریر قدرت از دست ما برود. در جملا ت دیگر مهندس بازرگان این دید را بروشنی بیان میکند.

"خدا نیاورد روزی را که خشم عمومی علیه رجم قدرتها و ممانعت ها کا را راه جنگ خیابانی کشانده و ترور حاکم شود. قربانی اول کی خواهد بود، و چقدر مردم بیچاره زیر دست و پا خواهند رفت؟ پس از آن آیا از مملکت و ملت و از روشنفکر و روحانی، چیزی خواهد ماند؟"

آری، هیچ چیز نمیتواند مانع از فوران خشم و غضب توده ها شود. هیچ چیز، نمیتواند توده های عیان زده را مانع شود تا به قطعی ترین عرصه نبرد کشیده شود. اکنون اوضاع اجتماعی و خشم و غضب توده ها بحدی رسیده است که مهندس بازرگان میتواند آنرا پیش بینی کند، و دست بدامن خدا شود که مبارزه را در چنین روزی بیاید. از نظر بازرگان، در آن صورت مملکت از دست میرود؛ روحانیون که بظا هر قدرت را در دست دارند از دست میروند؛ روشنفکر که البته منظور آقای بازرگان خود هم پالکی هایشان هستند، از دست میرود. خلاصه کلام بساط سردمداران کنونی رژیم جمهوری اسلامی برچیده خواهد شد و این واقعمیت تلخ مهندس بازرگان را میترساند. حالا مهندس بازرگان از ترس این موقعیت وهم با استفاده از این موقعیت، کوشش میکند تا شاید حریف را کمی بر سر عقل آورد. و آنها را براه راست هدایت کند.

آقای بازرگان میگوید:

"در هرجا و هر زمان که جلوی آزادی و عدالت گرفته و زبانها بسته و قلمها شکسته شود، و کسانیکه در برابر قدرت انحصار طلب احساس تبعیض و ظلم مینمایند نتوانند حرفشان را راحت بزنند بلکه جو سازی و هزار مانع و محظور از قبیل سسل تهدید، توقیف جماع و تهمت های ضد انقلاب، همکاری با دشمن، اخلال در امنیت و تضعیف دولت ببینند و بشنوند و بطور خلاصه مبارزه پارلمانی ممنوع باشد چنان محیطی، محیط ظلم و فساد است، فرق نمیکند که گردانندگان واقویاً از نسوع شاه و آمریکا و عمال طاغوتی آنان باشند، یا متولیان و کموت داران حزب و مکتبی"

آیا واقعا " آقای بازرگان، که کشتار و قتل عام خلق کرد در زمان نخست وزیرى ایشان آغاز شد، تا اینقدر از ظلم و ستمی که بر مردم میرود آشفته میشود؟ اگر در نظر آوریم که این آقای بازرگان همان آقا شعی است که ارتش قهرمان!! او خلق کرد را کشتار کرده و در زمان او خلق ترکمن سلاخی شد، دیگر شنیدن و خواندن این جملا ت کمی تعجب آور نیست نخواهد رسید. اما هیچ جای تعجب نیست. اینجا نکته ای است که همیشه باید در نظر داشت این سیاستمداران ضد خلق، اینرا دیگر میدانند و یا دگر گرفته اند که فریب توده های یکی از مسائل مهم حکومت آنهاست. این سیاستمداران همواره کوشش میکنند تا نیات و آرزوهای قلبی و طبقاتی خودشان را به صورت آرزو ها و نیات قلبی توده های مردم جلوه دهند، تا از این طریق به مقاصد پلیدشان جا مه ای ظا هر الملاح بیوشانند، و دیگر اینکه در فرهنگ اینان لغات دیگر آن معانی حقیقی خود را ندارند. مثلاً در مورد همین جملا تى که آقای بازرگان برشته تحریر آورده اند، جملا تى "مدی کا ملا" نشان میدهند که منظور ایشان از این ظلم و جور، آزادی و عدالت چیست. میتوانیم بفهمیم که از نظر آقای بازرگان چه کسانی مورد ظلم قرار گرفته اند. جملا تى زیر این مسائل را روشن میکنند:

سئواله " اکثریت در خدمت جمهوری اسلامی "

این تغییر نام از یکطرف تحت فشار نیروهای مبارز و موکرات صورت پذیرفت . ولی باید اذعان کرد که این عامل ، عاملی تعیین کننده نبوده است . " اکثریت " خائن بیست تراز آنستکه بخواهد با احساسات و ادراکات نیروهای مبارز و انقلابی کوچکترین توجهی نشان دهد . و فرمت طلبی آن بقدری است که در مقابل این بادها نلرزد . پس چرا اکثریت با لایحه نام خود را عوض کرد؟ عامل تعیین کننده در اینجا را بطرف اکثریت یا دولت است . اکثریت که بصورت یک درگاه دولت درآمده است ، نمیخواهد تا این دولت فدا خلقی کمترین رنجی از او پیدا کند . و به همین لحاظ قبول کرده است که غلام حلقه بگوش او باشد ، و هر فرمانی را از او اطاعت کند . و اینک که دید حتی نام " چریک " رنج آور است ، قبول کرد تا آنرا از روی خود بردارد . اکثریت - یتمیها در این منجلاب آنقدر فرورفته اند که عملاً " وبدون هیچگونه تفاوتی همان چیزهایی را تبلیغ میکنند که حزب جمهوری اسلامی میکند . آنها در کارخانه ها ، در جانب کارفرمایان و دولت قرار میگیرند و در مقابل کارگران محروم مقاومت میکنند . در درگیریها در کنار پاسداران قرار میگیرند و در مقابل مردم مقاومت میکنند و در همه نبرد عبقاقی و ملی جانبدار پروپاقرص دولت هستند و در مقابل همه نیروهای انقلابی می ایستند . اکنون دیگر چه راهی این اپورتونیستها کما ملا " عربان شده است ، و مورد نفرت همه انقلابیون ایران - ان قرار گرفته اند ، تا آنجا که نیازی نیست تا کارنامه آنها برای بار دیگر بررسی شود . کافی است تا همین واقعه اخیر را بخاطر آوریم تا ببینیم آنها بیشتر می را یکجا رسانده اند .

همه میدانند که قریب هزار " فالانژ " به میثتک آنها حمله کردند و با پرتاب نارنجک باعث کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن ده نفر گشتند .

نما بنده اکثریت در یک محاصره تلویزیونی ، مسیبن این امر را " گروهکهای مائوئیستی و " ساواکی ها " قلمداد نمود .

واقعا " بی شرمی و وقاحت بیش از این امکان پذیر نیست . این " گروهکها " چه قدرتی دارند که میتواند چند صد نفر را سازمان دهند بنحوی که در روز روشن ، حلقه محاصره پلیس دوستدار اکثریت را بشکنند و اینهمه کارها انجام دهند .

ولی ممالک همین کشتار ، که توسط مزدوران و اوپاشان طرفدار رژیم صورت پذیرفته یک حقیقت است . برای بار دیگر ثابت میکنند و آن اینکه وقتی مزدوران سرنیزه را زیر گلولی آدمی میکذارند ، باید سرفراز بود تا از آسیب آن در امان ماند ، و بالعکس هر چه قدر بیشتر سرفروا و آوری ، تیزی آن هر چه بیشتر در گلولی سرفرو خواهد رفت . و " اکثریت " نوگرفت به چنین روزی افتاده است و اکنون باید انتظار آنرا داشته باشیم که بزودی صدای طبل مرگ این خائنین را بشنویم .

راهپیمایی روز اول ماه مه

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - بابل

به منظور بزرگداشت ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر ، رفقای هوادار ما در بابل دست به یک راهپیمایی موضعی زدند . این راهپیمایی که در ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت از محل دبیرستان متمدنی واقع در چهارشنبه پیش آغاز شد و پیش از ۱۵ دقیقه ادا شد ، بدون درگیری و با خواندن سرود " پرچمدار ستمکشان " بوسیله راهپیمایان ، خاتمه پذیرفت .

راهپیمایان پلاکاردهایی با خود حمل میکردند که بر روی آنها نوشته شده بود : " پیروز باد ساززات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیسم و سگهای زخمیریش " ، " مستحکم باد پیوند کارگران ان و زحمتکشان با چریکهای فدائی خلق ایران " ، " گرامی باد یاد رفقای کارگرشید ، چریکهای فدائی خلق ، اسکندر مادی نژاد ، جلیل انفرادی ، یوسف زرکاری و ایرج سپهری "

شعارهای این راهپیمایی که با استقبال پر شور مردم مواجه شد از این قرار بود : " کارگر ، کارگر ، زنده به کار تو شیم " ، " بابتک کارگر ، ماداس بزرگ ، بقدرت سلسل ، ایران را سراسر سياهل میکنیم " ، " هدیه حکومت به توده های مردم ، گلوله های سربی ، پاسخ زحمتکشان ، جنگ مصلحانه علیه غارتگران " ، " چریک فدائی با خلق خود هموزم است و هم پیمان " ، " تنها ره رهایی پیوند با فدائی ، جنگ مصلحانه " ، " ارتجاع تو خالیست ، کردستان گواهیست " ، " کارگر ، زحمتکش برپا خیز از جا کن کاخ ستمگران را " .

اخبار کردستان

بوکان

در تاریخ ۶۰/۱/۹ یک ستون ارتشی به همراه تعدادی پاسدار و جاش از سقز بطرف بوکان حرکت کرده و آبادی سهراهی را در ۱۵ کیلومتری بوکان به محاصره درآورد و پس از محاصره به قتل و غارت روستایان آبادی پرداخت.

این ستون با اطمینان از عدم حضور پیشمرگان در این روستا، با تجهیزاتی که شامل هشت خودرو و ۳۰۰ ارتشی و پاسدار و جاش بود برای سرکوب روستایان زحمتکش آمده بود و در حالیکه بوسیله ۳ فروند هلیکوپتر کبرا حمایت میشد به کتک زدن و دستگیری مردم بی دفاع و غیر مسلح پرداخت. و در این مدت از ترس اینکه مبادا در لابلای کوهها و درختزارها، پیشمرگان کمین کرده باشند آنجا را با کالیبر ۷۵، به رگبار می بستند. سرکوبگران رژیم که در غیبت پیشمرگان بکه تازی میکردند مقر خالی حزب دمکرات را با تاش کشیدند.

به هنگام حمله مزدوران خانه روستایان نیز از دستبرد این جنایتکاران در امان نماند، بطوری- که یک فروشنده دوره گرد در حالیکه جلوی خانه نیمه ویرانش ایستاده بود اشاره کرد که سرکوبگران رژیم بجز خانه خرابی، تمام سرمایه اش را که حدود ۷۰۰۰ تومان بوده، دزدیده اند.

در جریان حمله ارتش و پاسداران به این روستا، پیشمرگان خلق کرد از جمله چریکهای فدائی خلق بمنظور مقابله با مزدوران و حمایت از مردم بی دفاع از بوکان عازم روستای سهراهی شدند. ستون ارتش که از نزدیک شدن پیشمرگان مطلع شده بود با وحشت و سراسیمگی مقداری از وسائل و امکانات جنگی اش را بجاکذاشت و در پناه آتش هلیکوپترها قرار کرد. سرکوبگران رژیم برای در امان ماندن از ضربات پیشمرگان خلق هفت نفر از اهالی روستا را نیز گروگان گرفته و با خود به سقز بردند.

به هنگام این درگیری مردم بوکان و روستاهای اطراف نیز بمنظور دفاع از روستایان آبادی به راهی در جلو مقر سازمانهای سیاسی در بوکان جمع شده و خواستار تحویل اسلحه شدند. اما پس از شنیدن مکالمات هلیکوپترها که از موج ۴۴۴ بمخس میشد و حکایت از عدم موفقیت این ستون و فرار مفتضانه شان میکرد، به ابراز شادمانی و به تشویق پیشمرگان پرداختند. طبق اخبار تاءشید نشده در جریان این درگیری ها یک پیشمرگه حزب دمکرات شهید شد. و یکی از جاشهای خود فروخته بسزای اعمال سنگینش رسید و کشته شد.

گزارشی کوتاه از شهر بوکان

شهر بوکان یکی از شهرهای کردستان است که تا بحال بعزت موقعیت خاص جغرافیائی اش و همچنین نداشتن پادگان از حمله ارتش و پاسداران مصون مانده است. و سهمین علت زنان و بچه هایی که از نقاط دیگر کردستان که تحت بمباران قرار دارد، آواره گشته اند، به آنجا پناه آورده اند.

این شهر از آغاز یورش دوم ارتش ضد خلقی مثل سایر نقاط کردستان تحت محاصره اقتصادی شدیدی قرار گرفته است. مخصوصاً " در زمستان سال گذشته (۵۹) حلقه محاصره تنگ تر شد بطوریکه از ورود هرگونه مواد سوختی به آنجا جلوگیری بعمل آمد.

مسئله بیکاری که در کردستان بنحو چشمگیری وجود دارد در این شهر نیز کماکان بچشم می خورد. خیابان اصلی شهر بوکان که محل عبور و مرور ماشینها بود حالا به چهارشنبه بازار تبدیل شده است. از صبح تا شام میتوان در آنجا مردمی را دید که با چهره های چروکیده ای که نشان از فقر و سوء تغذیه دارد، هر کدام به فروش چیزی مشغول هستند. آنها مرغ و خروس، کوزه های بنیر، سیکار (یا قندونسات را در این بازار محقر بفروش میرسانند. آنها خود را آوارگان جنگ می نامند. جنگ بین کردها و رژیم وابسته جمهوری اسلامی ایران، رژیمی که مدتهاست بعنوان هدیه حقوق کارمندان و کارکنان ادارات شهر راقطع کرده- بقیه در صفحه ۱۰

هر بژی پیشمرگه ، دژ من نصیبیت مهرگه

کشتار و سرکوب جنگ زدگان در شیواز

■ **شیواز** - از تاریخ سه شنبه ۶۰/۱/۱۱ تا ۶۰/۱/۱۸ شیراز شاهد یکی از شدیدترین درگیری ها میان آوارگان جنگ و سرکوبگران جمهوری اسلامی بود. طی این درگیری ها که به شهادت یکی از جوانان جنگ زده منجر شد، بسیاری از خوابگاهها توسط جبهه خواران رژیم به آتش کشیده شد و بسیاری از مردم آواره مجروح و دستگیر شدند.

در پی سرکوب گسترده آوارگان جنگ، پاسداران مسلح در خوابگاهها مستقر شده و کوچکترین حرکتی را کنترل میکنند. در محل اجتماع جنگ زدگان نیز چادری از جانب سپاه پاسداران دایر شده که وظیفه اش بهم زدن تجمع آوارگان است. گروههای شکار جمهوری اسلامی در خیابانها و کوچهها برای جنگ زدگان کمیسیون گذاشته و آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. بساط و دکه های کار جنگ زدگان بهم ریخته و روانندگان خوزستانی بخاطر شرایط موجود بندرت کار میکنند. انگیزه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از این یورش خاموش کردن صدای اعتراض آوارگانی بود که از سختی های ناشی از جنگ به تنگ آمده و در زیر فشار اسلحه و سرنیسیزه ارگانهای سرکوب رژیم مجبور به تحمل مصائب هستند. رژیم که از روحیه تعرضی آوارگان بخوبی آگاه است، می داند که چگونه فریاد اعتراض آوارگان مورد حمایت مردم شیراز قرار میگیرد و چگونه حضور آوارگان در شهر سر نضای مساعدی را برای فعالیت نیروهای انقلابی آماده کرده است. از این رو با جار و جنجال سعی کرد که سرکوب آوارگان را درگیری بین خوزستانی ها و شیرازیها وانمود سازد. اگر چه در همچون شرایطی مردم ناآگاه نیز در این جریانات به ناحق بدزد و خوردها کشیده میشوند، اما بسیاری از مردم که شاهد حمایت پاسداران و نیروهای انتظامی (شهربانی) از چماق بدستان بودند به ماهیت این حرکات ارتجاعی پی بردند. نیروهای شهربانی شاهنشاهی اینبار دست در دست پاسداران اسلامی متحداً "وظایف ضد انقلابی شان را انجام دادند. اما جنگ زدگان هم علی رغم همه تهاجمات روحیه انقلابی شان را به نمایش گذاشتند و هر جا که مورد تعرض قرار گرفتند با سنگ و کوبکندل مولوتوف دست به مقاومت زدند. اخبار زیر نشانگر چگونگی درگیریهای است که طی یک هفته در شیراز روی داد.

سه شنبه ۶۰/۱/۱۱ - گروهی از جنگ زدگان در مقابل یکی از خوابگاههای خالی واقع در سه راه فلسطین (باغشاه سابق) که تنها ۲-۳ نفر در آن زندگی میکردند، جمع شده و خواهان معافه آن شدند. تجمع جنگ زدگان که از ساعت ۳ بعد از ظهر شروع شده بود، ساعت ۱ نیمه شب بدون نتیجه خاتمه یافت.

چهارشنبه ۶۰/۱/۱۲ - آوارگان از صبح زود در مقابل خوابگاه جمع شدند و خیابانهای اطراف را بستند. تجمع آوارگان در شرایطی انجام گرفت که محل خوابگاه بوسیله پاسداران و ماء موران شهربانی محاصره شده بود. جنگ زدگان که خواستههایشان را روی پلاکاردهائی نوشته بودند، شعار میدادند: "مسکن، مسکن، حق مسلم ماست". جنگ زدگان یک بار به در خوابگاه حمله برده، اما موفق به شکستن در نشدند. در این ضمن شخصی بلندگودر دست گرفته و به جنگ زدگان پیشنهاد کرد که با عاملین رژیم مذاکره کنند، ولی جنگ زدگان آگاه که بارهائی نتیجه بودن مذاکره را آزمایش کرده بودند، با شعار "مرگ بفریبکار، مرگ بردغلکار" این شخص را از صفوف خود طرد کردند و یکبار دیگر به در خوابگاه یورش برده و موفق شدند به نیروی اتحادشان ماء مورین شهربانی را کنار زده و در را بشکنند. چند نفر از آوارگان وارد ساختمان شدند اما بلافاصله بوسیله پاسدارانی که از قبل در خوابگاه مستقر شده بودند، دستگیر شده و از در عقب خارج شدند. سایر آوارگان که شاهد این صحنه بودند، مجدداً با شعار "پاسدار، پاسدار، حامی سرمایه دار" و "ماداره، ماداره، حق مسلم ماست" گروهی دیگر را بداخل ساختمان فرستادند. پاسداران که از مقاومت و تصمیم راسخ جنگ زدگان بوحشت افتاده بودند، با تیراندازیهای بی درپیی سعی در برانگیدن آنها کردند. ولی جنگ زدگان با پرتاب سنگ به مقاومت ادامه دادند. گروهی حزب الهی با مشاهده عدم موفقیت برادران ژ-۳ بدستان در سرکوب جنگ زدگان، با چوب و چماق و چاقو به صفوف آنها حمله بردند و پس از مدتی زد و خورد گروهی را مضروب و تعدادی را نیز دستگیر

نابود باد جنگ غیر عادلانه و امیر بالیستی دود دولت ایران و عراق

کردند. درحالیکه صدای فریادزنی که میگفت: "ما شام شدن جنگ حکومت اینها هم تمام می شود"، پیچیده بودن سرکوب رژیم را در میان دیا هوی زدو خوردبگوش میرساند. دستگیری و ضرب و شتم آوارگان تا ساعت ۱/۴۵ دقیقه ادامه داشت.

یکشنبه ۶۰/۱/۱۶ - ساعت ۱۲ ظهر تعدادی از جیره خواران رژیم طبق یک توطئه از قبل طرح ریزی شده به گروهی از جنگ زدگان در نزدیکی شاهپراغ یورش بردند. در این زدو خورد یکی از مزدوران رژیم کشته شد. دوشنبه ۶۰/۱/۱۷ - در این روز گروهی اوباش که به زنجیر و چوب و جماق و سایر تجهیزات بودند، به شکلی کاملاً سازمان یافته به خوابگاههای جنگ زدگان حمله کرده و ساکنین خوابگاهها را شدت مضروب کردند. آوارگان که ماها درد نابسامانی و آوارگی ناشی از جنگ و تبعیت و فشار فروما یگانی چون دستفیب، امام جمعه شیراز، را تحمل کرده بودند، خشمگین از این همه ظلم و ستم رژیم دست براهیما می زدند. صفرا هیما بیان ساعت ۳/۵ الی ۴ بعد از ظهر از خوابگاه مشرفا طیبی براه افتاد و جنگ زدگان بعنوان اعتراض به حملات وحشیانه به طرف استاننداری رفته و خواستار ملاقات با استاندار شدند. بجای استاندار که آمده باشد در استاننداری نیست، یکی از معاونینش بنام فتحی نژاد به میان جنگ زدگان آمد و گفت: "ما شما کاری نداریم!! مجرد من را میخواهیم!!" زهی بیشرمی! جماق بدستان رژیم آوارگان بیگناه را مورد حمله قرار میدهند و آنوقت جناب معاون ظالم را از میان مظلومین طلب میکند. در همین لحظه جماق بدستان که تازه بید به استاننداری را از میان حرفهای فتحی نژاد گرفته بودند، دوباره ب طرف جنگ زدگان حمله کردند و بدنبال آنها پاسداران ضد - خلقی نیز وارد صحنه شده و عدهای از جنگ زدگان را که با چوب و جماق کتک میخوردند، دستگیر کردند.

جماق بدستان که توسط پاسداران، ماء سورین، انتظامی و گروهی از سربازان که ۳ تا ۴ ماه خدمت کرده اند، متشکل و حمایت میشوند، دامنه حملاتشان را گسترش داده و به چهار راه زند که محل تجمع آوارگان جنگ و کسب و کار آنهاست نیز یورش برده و عدهای را مجروح کردند. بطوریکه بساطی ها و تاکسی هائی که شماره شهر - های خوزستان را داشتند، از این حملات در امان نماندند. پاسا نی که در این ضمن یکی از اوباشان را دستگیر کرده بود، با زور و تهدید جماق بدستان او را آزاد کرد. یورش به جنگ زدگان به کلیه خوابگاهها و هتلها نی که آوارگان در آنها زندگی میکنند، کشیده شد و یکی از خوابگاهها در حوالی سوره نظری به آتش کشیده شد. مردمی که شاه درگیریها بودند، اعتراض میکردند که چرا جلوی جماقداران را نمی گیرند. یکی از جنگ زدگان در پاسخ گفت: "اینها فقط مبارزات واقعی مردم را سرکوب میکنند". جنگ زده دیگری نیز چنین ادامه داد: مشت رژیم دیگر برای ما باز شده. ما از کشتار خلق عرب، شاه و اجساد نی که در داخل گونی به دریا می انداختند حمله به ترحم خانواد ه شهدای سینما رکسی، ماهیت ضد خلقی رژیم را شناختیم.

جنگ زدگانی که در محل استاننداری دستگیر شده بودند، پس از انتقال به دادگاه انقلاب و ستاد عملیاتی سپاه پاسداران با لاف زده به بند ۴ زندان عادل آباد تحویل داده شدند. به هنگام انتقال دستگیر شدگان به زندان، زندانبانان جمهوری اسلامی برای اینکه صدای اعتراض زندانبانان سیاسی که از هفته قبل دست به اعتصاب غذا زده بودند (خبرنامه ۵۵)، به گوش جنگ زدگان نرسد، به بخش نوارهای مذهبی پرداختند. اما صدای فریاد زندانبانان که شعار میدادند: "زندانبانی سیاسی از زندان ارتجاع آزاد باید گردد"، در تمام سلولها طنین افکنده بود و تا ساعت ۱۲ شب بگوش میرسید. زندانبانان در پاسخ به اعتراض جنگ زدگان زندانبانی، آنها را به بدکتک گرفته و گروهی را با کابل و جماق شکنجه کردند.

سه شنبه ۶۰/۱/۱۸ - حملات سازمان یافته به خوابگاهها و شنا سائی و دستگیری جنگ زدگان ادامه یافت. در نغرا از جنگ زدگان در فلکه شهرداری مورد هجوم ارباشان رژیم قرار گرفتند که یکی از آنها یکمک مردم موفق بفرار شد. اوباشان که مردم را رودر روی خود میدیدند، برای ایجاد رعب در آنها به خوابگاهی که در نزدیکی فلکه شهرداری قرار داشت، هجوم بردند. اما جنگ زدگان که بیشتر آنها را زنان و کودکان و بزرگسالان تشکیل میدادند، با لاگذاشتن وسایل سنگین در پشت در و پرتاب سنگ و ریختن آب بر سر مزدوران، دست به مقابله زده و آنها را وادار به عقب نشینی کردند.

جنگی که ما را از آزادی و استقلال ما محروم کرد
جنگی که ما را از آزادی و استقلال ما محروم کرد

سازی

کمکی؟! ... به چنگ زدگان

رژیم فداخلقی جمهوری اسلامی که هر روز بیش از روز قبل دست به فریب توده ها میزند، اخیراً " به شیوه ای نوین دست یافته است که بشکل بارزتری ماسک " پابره نپرستی " از چهره کشید و بر میدارد.

هر روز با بلندگوها پیش از جنگ دم میزند. جنگی که همراهی جز فقر و مسکنت برای توده ها از مغفان دیگری ندارد و همانطور که شاهدیم آنان (چنگ زدگان) را آواره شهرها و دیارهای دور از کاشانه شان نموده است، آنهم با بدترین امکانات و... هر روز هم عربده میکشند که فلان و فلان قدر کمک برای جنگ زده ها شده است، اینهم دکاشی دیگر برای تبلیغات آنها در صدا میربالیستی نشان دادن چهره شان میباشد و روشن نیست این پولها و سرما به ها که میبایست بدست جنگ زدگان برسد، به جیب کدما مین مفتخور سر از برگشته است.

در روز دوشنبه ۶۰/۱/۳، ژ-۳ بستان حکومتی وارد روستای رودکلا شده و از مسجد محل با بلندگو کمک برای جنگ زدگان؟! ... میطلبند. پس از یک ساعت که خبری از کمک نمیشود، شروع بخواندن اسامی تک تک اهالی از پشت بلندگو میکنند که بیا بیدو کمک کنید. عده ای به این عمل اعتراض میکنند که موه شرواق نمیشود و بیه زور کمک جمع آوری میکنند. در این بین مردکارگری یک ۱۰۰ تومانی میدهد و میگوید: " ۵۰ تومان را بگیرد و ۵۰ تومان دیگر را پس بدهید ". پاسداران با کمال وقاحت میگویند: " ۵۰ تومانی نداریم پس بدهیم " و بدینگونه ۵ هزار تومان و چند کیسه لباس از اموال مردم را جمع آوری نموده و میروند. زهی بشرمی!

گزارشی کوتاه از وضعیت آوارگان در جهرم

اردوگاه آوارگان در شهر جهرم یکی از چند صد محلی است که آوارگان جنگ خانمان برانداز و غیره عادلانه ایران و عراق در آن بسر می برند.

این اردوگاه در زمان رژیم شاه ساخته شده که در آن زمان از راننده شدگان عراق در آن بسر می بردند. هم اکنون ساکنین این اردوگاه را آوارگانی تشکیل میدهند که از افغانستان و خرم آباد آواره شده اند. نگرانی اردوگاه بهمه سربازان ارتش است. زیرا قبلاً در افغانستان آوارگان با پاسداران درگیری داشته اند. و خاطره تلخ آن مردم را واداشت که در مقابل سپاه مخالفت و مقاومت کنند و همین مسئله باعث شد که افراد پاسداران مستقر در اردوگاه مجبور به ترک اردوگاه شدند. در حالیکه مردم از داشتن امکانات اولیه مثل برق محرومند انجمن اسلامی یک ساختمان سیمائی بزرگ را بخود اختصاص داده است. مردم فقط ۹ روز بکیار میتوانند به شهر بیروند و یک گروه تحقیق کسانی را به شهر میروند زیر نظر می-گیرد تا مبادا با کسی حرف بزنند. تا بحال مقامات رسمی که برای به اصطلاح بازدید به اردوگاه آمده اند. از آنجانب پذیرایی شایانی از جانب مردم برخوردار شده اند که همان لحظات اول فرار را برقرار ترجیح دادند. اولین بار مهندس میرسلیم به آنجا آمد که با مردم با معاصره ساختمان مخالفت خود را نشان دادند. اما به دستور وی پاسداران بروی مردم آتش گشودند که در نتیجه چند نفر زخمی شدند. بار دیگر نیز رجایی بقصد سخنرانی به اردوگاه آمده بود که خودش با ملاحظه اوضاع صدایش در نیامده اردوگاه را ترک کرد. ناگفته نماند که سرپرست این اردوگاه در رژیم سابق نیز در همین اردوگاه صاحب مقام و منصبی بوده که در رژیم فعلی ترفیع پیدا نموده و بد مقام سرپرستی نائل آمده است.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

دنیساله "گزارشی کوتاه از شهروکان" از صفحه ۶ کرده است. رژیمی که مدارس را منحل نموده اما حتی کوششهای اکثریت خائن برای جلوگیری از کار دوباره معلمین شهر نتوانست مؤثر افتد. و معلمین آگاه و مبارز شهر بایاری پیشمرگه‌ها به بازگشایی مدارس اقدام کرده و کارآموز و پرورش را از سر گرفتند.

این روزها شهروکان حالت غیرعادی دارد که علت آن هم برخورد غیرمسئولانه و غلط گروههای سیاسی است.

خلق کرد با کینه‌های سرشار به دشمنان و با قلبی آکنده از عشق و محبت به پیشمرگان انقلابی خود نگاه میکند و آینده خود را در آینده پیشمرگان جستجو میکند. ولی آیا این نیروها بدرستی در جهت منافع آنها گام برمیدارند. این سئوالی است که هر انقلابی باید بدان پاسخ صریح و روشنی بدهد زیرا که خلق کرد چنین میخواهد. او خواهان سرنگونی حاکمیت امپریالیستی است. او خواهان آزادیست. او خواهان حاکم شدن بر سرنوشت خویش است و تنها نیرویی میتواند واقعا "انقلابی" باشد که در این راه گام نهد و این اهداف را در مبارزات خود دنبال کند.

نامه یک رفیق هوادار به خبرنگار مازندران

من نوجوانی هستم پانزده ساله که میخواهم درباره سرنوشت خودم و مبارزه خلم مطالبی را برای مردم قهرمان ایران بخصوص رفقای هم سن خودم مطرح کنم.

در زمان شاه که مردم ایران در فقر و بدبختی بسر میبردند تمام خلقهای تحت ستم از جمله خلق کرد بپا خاستند تا رژیم وابسته با امپریالیسم شاه را سرنگون سازند. در این میان که مردم میگفتند: "مرگ پادشاه" همه بلند شده بودند و به پادگانها حمله میکردند و خلاصه مصمم در ازبین بردن رژیم شاه بودند. رژیم شاه سرنگون شد و دولتی روی کار آمد به اسم جمهوری اسلامی. این دولت فرقی با دولت شاه نداشت. او هم مثل دولت قبلی مردم را ازبین میبرد و وحدت خود را با امپریالیسم بیشتر میکرد و ملت را بیشتر در فقر و بدبختی قرار میداد. این دولت از وقتی که روی کار آمد هیچ کاری برای مردم نکرد تا زحمتکشان و بخصوص کارگران میخواستند حرفی بزنند و حق خود را بخواهند با گلوله جواب آنها را میدادند. هدیه این دولت چیزی بجز بدبختی، فقر و فلاکت برای زحمتکشان نبود. فلام بقول معروف خر همان خرسود فقط پالانش عوض شد. زمان شاه بخلق کرد خیلی ظلم شده بود؛ از فرط ستمی که با این خلق میشد، خلق کرد همراه با خلقهای ایران بپا خاست که حق خود را که حتی عادلانه بود از این دولت بگیرد، ولی دولت با گلوله جواب خلق کرد را داد. هنگامیکه خلق کرد فهمید که این دولت حق آنها را نمیدهد و باید با زور حق خود را از این دولت ضد خلقی بگیرد مسلح شده و با رژیم بجنگ پرداخت. و از آنجا بود که پیشمرگ بر سر زبانها افتاد. پیشمرگ فردیست مبارز، با شرف و انقلابی و طرفدار زحمتکشان که در مقابل دولت جمهوری اسلامی و هر نیروی کثیفی از منافع خلق دفاع میکند. بعد از فشار بی حد خلق کرد بدولت جمهوری اسلامی برای گرفتن حق خود، دولت با ارتش و پاسدارانش به کردستان ریخته و میخواست که این خلق مسلح را ازبین ببرد. دولت به روستاهایی چون قارنا و قه لاتان حمله برد و در آنجا به دختران تجاوز کردند، آنها را زنده زنده سربیدند و حتی برای نمونه ملای ده را که قرآن در دست گرفته بود و میخواست که به این وسیله از این جنایت جلوگیری کند، سر بریدند. خانه‌های مردم را آتش زدند، و محصول آنها را سوزاندند. آنها به کودکان معصوم و حتی به بچه‌های شیرخواره رحم نکردند. گاوها و گوسفند را که تنها منبع معیشت زندگی مردم بودند کشتند پس از این کشت و کشتار بود که ادعا کردند که اینها فدا انقلاب بودند. آیا کودک شش ماهه، دو ساله یا گاو و گوسفند فدا انقلاب هستند؟ دولت به این جنایت راضی نشد و به شهرها و روستاهای دیگر حمله برد. خمینی در

هر بومی خه‌بلت چک دارانه که نه‌نیا ریگای گی شتن به روزگاریه!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

رادیو تلویزیون اعلام کرد که خلق کرد ضدانقلاب و ضداسلام و رهبران آنها مشد و رستاخیزیند.

در یک شب تاستانی که مادرکوچه بودیم و بازی میکردیم فانتومها سربالای شهر مهاباد به پرواز درآمدند و باراکت شهر را کوبیدند و خماراتی هم به بار آوردند. آن شب کمی نخواستید. چندسجده کوچک از ترس دق مرگ شدند و بعد از پرواز فانتومها ارتش و پاسداران به شهر مهاباد سرازیر شدند. بعد از چندروز جنگ بداخل شهر مهاباد آمدند و به اذیت و آزار مردم پرداختند و با انداختن نارنجک به کشتار مردم بیدفاع پرداختند. بعد از مدتی بیشترگان خود را تقویت کرده و با حمله به پایگاههای محل استقرار پاسداران و ارتشیمان توانستند ضربه‌هایی به آنها بزنند. بیشترگها در تاریخ ۵۸/۷/۲۱ به شهر باسی حملہ بردند و آنرا تصرف کردند. من در آن لحظه در جلوی درخانه خود مان ایستاده بودم. وقتیکه به سرکوچه رسیدیم از خانه جوانان با تیربار ژ - ۳ بطرف ما تیراندازی شد، که بسرعمه‌ام توانست خودش را نجات دهد. در اثر تیراندازی بطرف من، بر اثر امایت گلوله درکوچه افتادم و حدود نیم ساعت در آنجا افتاده بودم، که یک نفر پایم را کشید و به خانه‌اش برد. در آن خانه خالم را باز کردند. من خیلی خواهش کردم که به من آب بدهند، ولی چون برایم ضرر داشت من آب ندادند. بعدیک نفر مرا برداشت بردسوار تا کسی کرد و به شیر و خورشید رساندند. در آنجا روانه اطاق عمل شدم. در اطاق عمل جای ۵ گلوله را بخیه زدند، که سه تا گلوله بدو دستم و دو تا گلوله هم به پشتم که نخاعم را قطع کرده بود. چند نفر من خون دادند که سه خون آنها مرا از مرگ حتمی نجات داد. سه روز در بیمارستان مهاباد بودم و بعد از سه روز مرا به بیمارستان خمینی در تبریز بردند و در بخش مغز بستری کردند. وقتیکه در بیمارستان بودم، مهاباد صحنه جنگ بود، که بیشترگان قهرمان ضربه‌های سختی بدولت زده، رادیوی دولتی میگفت: «که ضدانقلاب با سنگر - بندی و راه‌بندان موجب نرسیدن آذوقه به پادگان و سپاه پاسداران شده است.» وقتیکه دولت خود را در تنگنا دید عقب‌نشینی موقتی کرد و شهر بدست بیشترگان افتاد. ولی با سیاستهای امپریالیستی مردم کردستان را فریب داد، که دولت میخواهد حق شما را بدهد. و با این حيله افرادی را بسرای مسدا کرده به مهاباد فرستاد. وقتیکه زمستان گذشت، در اردیبهشت ۵۹ جنگ سنندج و سقز را درست کرد و در آنجا سه کشتار مردم پرداخت. در آن جنگ بیشترگان چندین هلیکوپتر و فانتوم و تانک را از زمین بردند، و حدود ۲۰۰۰ پاسدار و ارتشی را کشته و اسیر ساختند. بعد از آن جنگ به جاهای دیگر کشیده شد. جندی نگذشت که ستون غارتگر حسنی و پاسداران چاقوکش به ایندرفاش حملہ برد و به قتل عام مردم بیگناه پرداخت. گندم و یونجه آنها را آتش زدند و دارا ثیهای آنها را با خود بردند و به چندین دختر معصوم تجاوز کردند. حدود ۵۲ نفر که در بین آنها کودک دو و سه ساله و پیرمرد و پیرزن بود کشته شدند. حتی به گا و گوسفند نیز رحم نکردند و همه این جنایت به بیانه اینکه ضدانقلاب در آنجا است انجام گرفت. آیا بنظر شما کودک ماه، پیرمرد و پیرزن سالخورده، ضدانقلاب است؟ حال درباره جنگ مهاباد بگویم. یک روز که ما بالای خیابان بودیم، من روی صند لی جرخدار نشسته بودم، یکدفعه دیدم که تانکها به خیابان آمدند و ارتشها شروع به سنگر بندی و سنگر سازی کردند. میخواستند پیشروی کنند، بیشترگان جلوی پیشروی آنها را گرفتند. آنها عقب‌نشینی کردند و دوباره به پادگان برگشتند و شهر را با خمپاره و توپ و بران ساختند و موجب کشتن حدود ۵۰۰ نفر شدند. این جنگ پانزده روز طول کشید، شهر بدست دولت افتاد. اول میخواستند با سلام و علیک مردم را فریب دهند و بعد از مدتی شروع به گرفتن مردم و اذیت و آزار آنها کردند. در مدت شش ماه که شهر در دست دولت بود به هر خانه‌ای ۳۰ لیتر نفت و کمی خواربار دادند. در بهمن ۵۹ بیشترگان به شهر آمدند و ضربات سختی به پاسداران زدند. حدود یکماه در مهاباد جنگ بود. دولت مردم مهاباد را زیر فشار قرار داد. کمتر خانه‌ای را می توانستی پیدا کنی که نان کافی داشته باشد. کدام انسان با وجدانی قبول میکند که بچه کوچک از سی نانی گریه کند، شب را گرسنه بخوابد و پدرش به پیش دشمنانش یعنی پاسداران برود، و از آنها انسان بخواهد و آنها در جوابش بگویند، نه، به شما نان نمی دهیم و او برود و خود را بسوزاند. مرگ بر جلادان خلق نابود باد! صبر با لیم و سگهای زنجیرش

با ایمان به پیروزی راهمان

رفیق فلج شما نوحوان ۱۵ ساله - ۶۵/۱/۹

زند مباد خلق رزمند کرده برای آزادی مبارزه میکند

گوشه‌ای از مشکلات کارگران شرکت ملی حفاری

پس از قیام شرکتهای حفاری بسیاری در ایران تعطیل شده و با کاررانیسمه کارها کرده و از ایران رفته اند. و با توجه به سیاست رژیم بیشتر آنها بوسیله دولت اداره و راه انداخته میشوند. شرکت ملی حفاری نیز یکی از این شرکتهاست که حدود ۱۶ ماه از تاسیس آن میگذرد. مدیرعامل این شرکت شخصی بنام محمد رضا شامسی است که از افراد فعال حزب جمهوری اسلامی و عامل اصلی انحلال شوراهای کارگری صنعت نفت است. وی از همکاران مدنی جلال خلیق عرب و استادان سابق خوزستان میباشد. علاوه بر آن وی معاونت امور مالی و اداری مناطق نفت خیز را نیز بعهده دارد. وی تا بحال بارها از کارگران کتک مفصلی نوش جان کرده است، اما همچنان به اعمال فکدکارگری و چاکرمنشانه خود ادامه میدهد.

از جمله مسائلی که وی مطرح کرده، اینست که کارگران با دید پولی را که بابت پایان سابقه خدمت در زمان تعطیل شرکت دریافت کرده اند، پس بدهند و در غیر اینصورت اخراج خواهند شد. وی برای این حرفش به بخشنامه‌ای که در سال ۵۸ از طرف رضا صدوقی معاون نظارت بر روابط کار صادر شده است، استناد میکند. در بند ۳ این بخشنامه آمده است: کارگرانی که بوسیله کارفرما اخراج شده و پولی بعنوان خاتمه خدمت دریافت نموده اند، پس از بازگشت بکار، باید آنچه اضافه بر حقوق و مزایای ایام بیکاری دریافت کرده اند را به اقساط و با یکجا به کارفرما مسترد دارند و تنها در اینصورت سوابق خدمتی کارگران محفوظ میماند. اما شامسی خیلی خوب میدانند که اولاً مبلغ دریافتی اکثر کارگران بابت پایان سابقه خدمت آنقدر ناچیز است که کارگران بسیاری بابت ایام بیکاری خود نیز از شرکت طلبکار خواهند شد و آن عده‌ای هم که به شرکت بسد- هکار میشوند، بعلمت هزینه‌های سرمایه و رونداری قادر به پرداخت این پول نخواهند بود. و به این ترتیب او با استناد به این بخشنامه تعداد انحلال شرکت را دارد. کارگران شرکت ملی حفاری مستقر در ستاد و مقامت مسجد سلیمان نسبت به این مسئله اعتراضات شدیدی نموده اند. اما شامسی نمایندگان آنها را نه پذیرفته و گفته است: من کسی را بعنوان نماینده کارگران و شورانمی شناسم.

کارگران مبارز با دیدند که ماهیت این نوکران سرسپرده به امپریالیسم در اینست که حقوق کارگران و دسترنج آنان را به حیب سرمایه داران وابسته و اربابان نشان بریزند و تنها در مقابل اعمال قسدرت و اتحاد کارگران است که آنها مجبور به پرداخت حقوق کارگران میشوند. کارگران با دیدند که در ضمن اینک با اتحاد و مبارزه خود در مدد گرفتن منافع کوتاه مدت خویش هستند، با دید فکراتحلی بزرگتر با تمام مردم برای شکست دشمن اصلی یعنی امپریالیسم و سگهای زنجیرش باشند.

و اعطای کابین جلوه در محراب و منبر میکنند
چون به خلوت میروند آن کسار دیگر میکنند

میرند

در تاریخ ۶۰/۱/۲۸ یکی از روحانیون مرندينام سید رحیم موسوی که فرمانده عملیات سپاه پاسداران و عضو هیئت پاکسازی!! جلفا نیز هست، بجرم عمل لواط با یکی از پاسداران محافظت دستگیر و به ۶ ضربه شلاق ۴ سال حبس و خلع لباس!! محکوم شد.

در جریان افشای این قضیه که با خشم و نفرت مردم شهر علیه این مروجان فساد همراه بود، ۳۰ نفر از اهالی شهر نیز بجرم تظاهرات علیه ملای مکتبی بوسیله پاسداران دستگیر شدند. جریان واقعه از این قرار بود که موسوی آخوند ضمن سفری که مدتی پیش به همراه هیئتی از زواریه مشهد داشت، پاسدار محافظت را مورد تجاوز قرار داد. پس از بازگشت هیئت به مرنده، پاسدار مذکور به دادگاه انقلاب اسلامی شکایت کرد. با وجود تکلّف فراوان مسئولان شهر، خبر سرعت در شهری پیچید. ناگفته نماند که این روحانی قبلاً نیز چند بچه را که به جرمهای مختلف به سپاه پاسداران برده بودند، مورد تجاوز قرار داده بود. مردم مرنده که از مدتها پیش کینه این مزدوران را در دل میپروراندند، با خشم فراوان به خیابانها و استادایوم شهر رفته و ضمن تظاهرات خود- استار اعدام موسوی شدند. مردم در جریان تظاهراتشان شعار میدادند: "مرگ بر آپولو" (موسوی ملا به این نام مشهور است) و "روحانی، پاسدار، بیوندتان مبارک". پاسداران از همه طرف خود را در فشار میبندند. چرا که نه تنها فرمانده عملیاتی شان بلکه روحانیت عزیز و عضو هیئت پاکسازی شهر در خطر قرار

شیراز

دهقانان
زحمتکش میهنمان
بس از قیام به
تقسیم زمینهای
کشاورزی دست
زدند و رژیم
ضد خلقی
جمهوری اسلامی
از همان ابتدا
باصدور اعلامیه‌ها
و فتواهای
رنگارنگ این
عمل را برخلاف
اسلام و حرام
اعلام نمود
و با گذراندن
قوانین از
مجلس به نفع
مالکان حما-
یت خود را از
آنها اعلام
نمود و هر جا
که دهقانان در مقا-
م بل این قوانین



جمهوری اسلامی ایران
دادگاه انقلاب اسلامی
شیراز

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۱۹
شماره: ۹۲۵
پیوست

بسمه تعالی

جناب سرهنگ مهدبزرگ فرمانده محترم ناحیه زاهد امری استان فارس

فنی گزارشات واصله از گروهان زاهد امری مودشت و اقله و بعضی نقاط دیگر مدعی از افراد فرصت طلب و با خود سر دست بترکیات کشاورزان زده و آنها را علیه کسانی که چند هکتار زمین مزروعی دارند و خودشان هم تلمه آب و وسائل کشاورزی دارند و کثر میکنند هیچ نموده با امر قاطع و صریح امام است رهبر عالی‌قدر انقلاب اسلامی ایران منی بر متوقف گردیدن بند چ احداث نکرده کشاورزان ساده دل را - تحریک بنمایند و مانع اجرای احکام مقرر از دادگاه انقلاب اسلامی نگردند خواهشمند است بطور مشخصه بشام گروهانها و پاسگاههای تابعه اعلام فرمائید در صورت مشاهده تحریکات و تصرفات غیر قانونی عاملین اصفی را شناسائی کرده و فوراً دستگیر و تحویل دادگاه بدهند و در صورت نیاز دستگیرند از سپاه پاسداران نیز کمک بگیرید بت

حاکم شرح و مسئول دادگاههای انقلاب اسلامی شیراز



گروه طالب فرمانده محترم سپاه پاسداران منطقه ۶

پ. ب. بزرگشاهزاده و خانواده محترم

ضد خلقی ایستادگی کرده و به مصادره زمینهای مزروعی پرداختند، آنها را به گلوله بست.
دهقانان به عینه دیدند رژیم که صبح تا شب و شب تا صبح در بوق و کرنا می دمده که " ما نه طرفدار فتنه و دال هستیم و نه سرمایه دار " در عمل فقط در جهت تاء مین منافع آنان گام برمیدارد.
سند بالا نشان میدهد چگونه دادگاه با اصطلاح انقلاب شیراز در بی سیاستهای امپریالیستی از ژانده - امری یکی از ارگانهای سرکوبگر می خواهد که افراد " فرصت طلبی " را که کشاورزان را " تحریک " به مصادره زمینهای مالکان بزرگ میکنند، بعزت مخالفت با تصمیم " صریح و قاطع امام مبنی بر توقف بند ج " دستگیر کرده و در صورت کافی نداشتن نیرو برای سرکوب از پاسداران امپریالیست کمک بگیرند.
زهی وقاحت و بیشرمی!

رژیم جمهوری اسلامی میگوید که ارتش مدافع مین و ملت مساست .
ما میگوئیم ارتشی که شب و روز شهرها و دهات کردستان را بمباران کرده و روستاهای فقیر ترک و کرده منطقه ما را با توپ و خمپاره در هم میگوید در هیچ نقطه ای نمیتواند مدافع خلق باشد .
پس : نابود باد ارتش ضد خلقی .

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - میاندوآب ۶۰/۱/۱۹

صیادان ورژیم جمهوری اسلامی

صیادان زحمتکش میهن مان همچون سایر اقشار و طبقات خلق از مظالم رژیم جمهوری اسلامی برکنار نبوده و نیستند. بعد از سقوط شاه، صیادان در برتو مبارزات شجاعانه خود توانستند، مقرات ضد خلقی صید ماهی دوران شاه را زیر پا گذاشته و آنطور که منافع برحقشان ایجاب میکرد به صید ماهی بپردازند آنها متحداً و با روحیه مبارزه جویانه هر بار در مقابل رژیم جمهوری اسلامی که سعی داشت قوانین سر آریامهری را از نو برقرار کند، ایستادند و آنطور که همگان می دانند، اوج این مبارزات یکبار در بر بندر - انزلی انعکاس یافت که پیام خونین صیادان مبارز به سراسر مردم ایران بود. رژیم جنایتکار کنونی تصور میکند که با ایجاد جو خفقان و ترور و سرکوب، قادر خواهد بود، مقرات آریامهری را یعنی مقرارتی که به انحصارات چیا و لنگر امپریالیستی، اجازه میداد که منافع غذای شی مردم را باغارت بپزند، به صیادان تحمیل کند. اما رژیم جمهوری اسلامی این آرزو را نکور خواهد دید. در زیر در مورد وضعیت صیادان تنکابین و حومه، صیادان بهره گر گزارشاتی آمده که بیانگر گوشه ای از مشکلات صیادان این نواحی است.

گزارشی از وضعیت صیادان تنکابین و حومه

در کرانه دریای مازندران، (تنکابین) بیش از ۲۵ نفر به کار صید مشغولند که میتوان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ - صیادان کارگر " اداره شیلات "
- ۲ - صیادان آزاد حرفه ای
- ۳ - صیادان آزاد آما تور

۱ - صیادان کارگر " اداره شیلات ": این بخش از صیادان که از کارگران " اداره شیلات " هستند، عمده ازال را بکار صید مشغولند. " اداره شیلات " ۶ ماه ازال را برای صید ماهی آزاد اعلام کرده است. این صیادان اکثراً از آذربایجان و یا شهرستانهای دور و نزدیک جذب شیلات تنکابین شده اند. آنها در روز بیش از ۱۵ ساعت کار میکنند و در ازی آن روزانه ۸۰ الی ۱۰۰ تومان مزد میگیرند. مزایای بازنشستگی به آنها تعلق نمی گیرد و در خانه های آلونکی کسهاز طرف " اداره شیلات " ساخته شده است، زندگی میکنند آنها ۶ ماه دیگر سال را به کثا و روزی مشغولند.

۲ - صیادان آزاد حرفه ای : این دسته از صیادان نیز مانند صیادان کارگر " اداره شیلات " ازال دو فصل را بکار صید میپردازند. ابزار تولید آنها عبارتست از تور، قایق و ... تعدادی از آنها از " شیوپ " ماشین بجای قایق استفاده میکنند که شیوه بسیار خطرناکی است. تعدادی دیگر نیز قایق پارویی و قایق موتوری را بکار میگیرند. استفاده از قایق پارویی نیز در دریای طوفانی بسیار خطرناک میباشد. آنها معمولاً چند نفری شریک شده و به دریای می روند. این صیادان در گذشته برای خلاصی از دست مزاحمتهای " اداره شیلات " به رئیس اداره و ماء سوران آن و نظامیان ژاندارمری باج می پرداختند. از طرف

دیگر مقداری از درآمدشان را نیز در ازی بدهی خود به " سماک " پرداخت میکردند. بدین ترتیب بیش از ۲۵٪ درآمد آنها علیه رقم قیمت گران ماهی در بازار صرف باج و قرض " سماک " میشد. آنچه که باقی میماند تنها ۳۰٪ درآمد بود که میبایست با آن تمام سال رازندگی کنند. بهمین دلیل زندگی آنان در فقر و محنت است. بعد از قیام نیز تغییر چندانی در وضعیت آنها ایجاد نشد. هر چند که تا اندازه ای رشوه و باج و خراج کم شد. اما بدلیل چندین برابر شدن قیمت ابزارتو - لیدما هیگبری از جمله ۳ برابر شدن قیمت تور و قایق و اخیراً مسئله کمبود بنزین که باعث بالارفتن هزینه حمل و نقل و تقلیل زمان کار صیادان شده است، وضعیت صیادان زیدتر از زمان حسا کمیت رژیم قبلی کرده است. از آنجائی که این طریقه کار کفاف زندگی و زندگی زحمتکشان دریا را نمی دهد، صیادان ناچاراً دست بکار " بهره زدن " میشوند، بدین ترتیب که در فصلهای ممنوعه تورما هیگبری را بصورت حلقه ای تنگ در نقاط عمیق دریا نصب مینمایند.


۳ - صیادان آزاد آما تور: این بخش از صیادان از محملان، دیپلمه های بیکار، کارگران با کار و بیگاری و غیره تشکیل شده است. بعد از قیام تعدادشان روز بروز فزونی مییابد و این در رابطه مستقیم با مسئله بیکاری در ایران است. بدیهی است بطولت تجارت که این عده از صیادان همواره عظماتی به وضعیت صید وارد میشود که اینکار باعث نگرانی خاطر صیادان حرفه ای شده است. اما بهر حال این زحمتکشسان نیز بطولت شرایط زندگی خود ناچارند که به صیادی بپردازند.

وضعیت صیادان پرده سر

از طریق گرفتن وام از سرمایه داران جزء و سماکان و سایر صیادان از آزادتهیه کرده و در عوض ماهی - های صید شده را ارزانترا از بازار به آنان میفروختند. البته این کار را بطور قاچاق انجام میدادند و سهمین خاطر مجبور بودند همیشه مقداری از درآمدشان را هم بعنوان رشوه به مأموران شیلات بدهند. در اثر تمام سهمین وضع صید برای این صیادان تا حدودی آزاد شده بود. اما رژیم جمهوری اسلامی طاقیت نیا ورده و ول قعه خونین انزلی را آفرید و پس از آن هم از طریق فرمانداری و استانداری از صیادان خواست تا سما بیندگان خود را بفرستند و از سما بیندگان خواستند تا در سراسر منطقه انزلی تا آستارا دست به صیادشناسی بزنند و برای صیادان کارت صادر کنند. تا به این ترتیب صیادان را زیر یوغ خود درآوردند. اینکار در سال ۱۳۳۶ نیز توسط رژیم " آریا مهری " انجام گرفته بود که نتیجه آن وابستگی صیادان به شرکت های تعاونی گردید. به این صورت که صیادان کارت دار را مجبور کردند با زیر رهبری شیلات یا شرکت تعاونی وابسته به شیلات درآیند. متن کارت مادزه از طرف شیلات در سال ۱۳۳۶ بدینقرار است .

" پروانه صید بادم ثابت در ناحیه (آستارا)

فقط در فصل صید با رعایت مقررات و آئین نامه صید در محل تضمین شده در دریای بزرگ به صید ماهی سفید بادم ثابت بپردازند . این پروانه در صورت موافقت شرکت سهامی شیلات ایران قابل تمدید میباشد .
 فرم تعهد نامه ای که جمهوری اسلامی صادر نموده و صیادان باید برای دریافت کارت (جواز صید) آنرا امضاء کنند ، چنین است . (به پیوسته مراجعه کنید)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت شیلات و ماهیگیری

تعهد نامه صیادان غیر کتلی شیلات

من بخاطر یکی از قلمروهای غیر کتلی شیلات شهرستان ... در ...

میکنم که خود با سایر کتلی و غیر کتلی صیادان بود و مقررات صید و آستارا جمهوری که محاسبات منطقه هویدا که بدسترس میباشد متوجه و رعایت کنم و در صورت تخلف منقضی میگردد و بدون هیچگونه عذر و عذرتی از این تعهدات که در قلمروهای خود رعایت میفرمایند صیادان غیر کتلی متعهد میشوند که در قلمروهای غیر کتلی خود هیچگونه صید و تعهدی ندارند و در صورت تخلف منقضی میگردد و در صورت تخلف منقضی میگردد و در صورت تخلف منقضی میگردد

در این قلمرو هیچگونه صید و تعهدی ندارم و در صورت تخلف منقضی میگردد و در صورت تخلف منقضی میگردد

این تعهد نامه در تاریخ ... در محل ... امضاء و مهر گردید

صیاد: ...
 امضاء: ...
 مهر: ...

در رابط با توضیح متن این تعهد نامه باید گفت که دام شماره ۷۰ میلیمتری صرفاً ماهیهای درشت را میگیرد که صیادان اکثراً ماهیها را از دام ۶۰، ۶۵، ۵۰ و ۵۵ میلی متری میگیرند و دام ۲۰ هم صرفاً ماهیها - شی از نوع کلمبه و کولی های کوچک را میگیرد با توجه به اینکه در تعهد نامه صیادان را مجبور به گرفتن ماهی فقط بادم شماره ۷۰ و ۳۰ کر - ده اند ، آنها در مضیقه قرار گرفته و قادر به امر از معاش خود نخواهند شد و با نتیجه زیر قرضهای کلان سماکان خواهند رفت و اگر اقدام به برپاشی دام های قاچاق بنمایند ، درگیری های آشکار با حکومت بوجود خواهد آمد. البته شیلات برای جلوگیری از مبارزه بکپارچه صیادان از شیوه تفرقه اندازی استفا - ده میکند . مثلاً" همانطور که در فرم تعهد - نامه عبارت "امضاء ضامن " نشان میدهد ، موقع صادر کردن کارت صیادان را بشکستل زنجیر و از ضامن همدیگر قرار میدهند که اگر صیادی از موارد تعیین شده شیلات سرپیچی یا تخلف کند ، بای صیاد دیگر نیز که ضامن اوست ، در میان باشد .

- همچنین برای اخذ کارت ، صیادان باید دارای شرایط زیر باشند :
- ۱ - صیادان زیست سال کمتر نداشته باشند .
 - ۲ - لا اقل ۵ سال سابقه صید داشته باشند .
 - ۳ - هیچ کار دولتی نداشته باشند .
 - ۴ - ۶۰۰ تومان بعنوان حق کارت به شیلات بپردازند .

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - تبریز ،

بمناسبت اول ماه مه ، روز جهانی کارگران ، اعلامیه‌ای دادند که در قسمتی از آن میخوانیم :

اول ماه مه تجلی قدرت تاریخی پرولتاریا بر علیه تمام نظامهای ظالمانه است

" والحق میتوان گفت نقشی که این رژیم در خدمت به امپریالیسم دارد از عهده هیچ مگ زنجیری دیگری در این برهه از تاریخ بر نمی آید و همین است که توده‌ها فریاد میزنند " اینها روی سیاه رژیم جنایتکار شاه را سفید کردند " و این جنایت تاریخی ای که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در شرایط خونبار میهنمان مرتکب شده است در تاریخ جهان کم نظیر است ، رژیمی که از مبارزات تاریخ ساز کارگران و سایر زحمتکشان درمناز با امپریالیسم سوء استفاده کرده و حالا بی شرمانه کارگران را برای بکار انداختن تولید سرما به داری وابسته تهدید به اخراج ، زندان ، شکنجه و کرده تا بتواند بحیال واهی خود با بکار انداختن روابط فرسوده سرما به داری وابسته چند صباحی به عمر سنگین خود زالووار ادامه دهد . این دیررسیدگان به خدمت امپریالیسم با پیدایش مبارزات طوفانده کارگران و متحدانش هرگز این اجازه خوش خدمتی را به آنها نخواهد داد .

حیثیت دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن بمناسبت

اول ماه مه اعلامیه‌ای منتشر کردند که در قسمتی آمده است :

گوامی باد خاطره ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

برگزاری مراسم همبستگی جهانی طبقه کارگر در حاشیه زیر سلطه عا از ویژگی هائی برخوردار بوده است . کارگران ایران برای اولین بار در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۲۹۹ این روز را جشن گرفتند و بدین طریق بلوغ سیاسی خود را نشان دادند . اما دوران سیاه دیکتاتوری رضاخان وضعیتی را بوجود آورد که کارگران مجبور شدند بطور مخفیانه اول ماه مه را جشن بگیرند . ولی دوباره در سالهای پس از جنگ جهانی دوم روز اول ماه مه را بطور وسیع و علنی برگزار می کردند و تنها پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و استقرار کامل حکومت امپریالیستی تا ۱۱ اردیبهشت سال ۵۸ در تاریخ مبارزات کارگران ایران امکان برگزاری مراسم روز همبستگی جهانی کارگری فراهم نگردید .

اکنون دیرزمانی است که صدای توپ و خمپاره مسلسلهای رژیم جمهوری اسلامی در اطراف میانندوب لحظه‌ای خاموش نمیشود . افزایش نقاط استقرار ارتش ضد خلقی و پاسداران امپریالیسم در اطراف واکنای میانندوب و سرکوب وحشیانه روستاهای ترک و کرد بیانگر ترس و وحشت رژیم از مبارزات توده‌هاست .

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - میانندوب ۱۹/۱/۶۰

ت (۱)

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - بابل

بهمناسبت اولین سالگرد بورش وحشیانه رژیم به دانشگاهها اعلامیه‌ای دادند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است:

گرامی باد "دوم اردیبهشت" اولین سالگرد حماسه دانشگاه!

آری ضرورت سرکوب دانشگاهها بوسیله حکام وقت را باید در نقش دانشگاهها در گسترش وعمق هر چه بیشتر بختیدن به مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما دید.

اما خواست رژیم بدون سازشکاری نیروهای که رهبری مبارزه را در دست داشتند تحقق پذیر نبود. رژیم بخوبی به نقش دانشگاه پی برده بود و میخواست این عرصه مبارزه را از خلق بگیرد. در مقابل، نیروهای انقلابی میتوانستند و میبایست با توسل به تمامی شیوه‌های مبارزاتی، این عرصه مبارزه را حفظ کرده، گسترش بخشند. اما جای رهبران واقعی در این جنبش خالی بود. دوستان مجاهد خیلی سریع و برای حسن نیت خود به حاکمیت و در انتظار بخشش بعدی او، عرصه مبارزه را ترک کردند. آنگاه نوبت به رهبران خائن جریان منحط "اکثریت" رسید. اینها که نوکری حکام وقت را پیشه خود ساخته‌اند، در جریان وقایع دانشگاه نیز در کنار حاکمیت و در مقابل جنبش خلق قرار گرفتند و هر کسی را که بر تداوم مبارزه و حفظ عرصه دانشگاه اصرار ورزیدند با مارک هرج و مرج طلب، چپ‌رو و غیره راندند. و صدامت که خیانت خود را به این وسیله که رژیم، با اصطلاح "مردم" را بسیج کرده است، توجیه کردند.



معلمین ۱۹ بهمن تهران، هوادار جریکهای فدائی خلق ایران
بهمناسبت روز معلم اعلامیه‌ای دادند. در قسمتهایی از این
اعلامیه آمده است:



این شیوه تحقیقی و راه معلّم است

یک دست بر کتاب و در دست پر تفنگ

روز ۱۲ اردیبهشت تظاهراتات معلّمان که مورد پشتیبانی دانش آموزان و بخشهای مختلفی از مردم قرار گرفته بود، در برابر مجلس شورای ملی با دخالت پلیس به خون کشیده شد. رئیس وقت کلانتری بهارستان "سرگردنا صر شهرستانی" با کشیدن اسلحه کمری خود و آتش گشودن بسوی معلّمان موجب شهادت "دکتر ابوالحسن خانعلی" معلم مبارز شد. گرچه شمع هستی خانعلی خاموش شد ولی هرگز با خاموش شدن یک شمع تاریکی بر جهان حاکم نخواهد شد که جشن خفاشان خون آشام و گریزندگان از نور شود. رژیم با کشتن او میخواست ترس و وحشت را بر دلهای مردم بیاندازد تا آنان دست از مبارزه بشویند و سگهای زنجیری امپریالیسم با زهم برخانمان و جان و مال مردم حاکم باشند، ولی مبارزات معلّمان انقلابی ادا می‌یافت و تارهای زحمتکشان از یوغ امپریالیسم ادا می‌خواهد یافت.

معلّمان مبارز کردستان که در کنار زحمتکشان این خلق ستم‌دیده مورد بورش یا ساداران و ارتشیان قرار گرفتند و شهید شدند و باران سب و خمیازه سرشان ریخت قربانیان دیگری هستند که رژیم برای بقای خویش از این قشراکاه گرفته است.

رژیم کنونی که با فریب توده‌ها و به دست امپریالیسم سرکار آمده از نقش معلّمان مبارز در سرنگونی رژیم پیشین کاملاً آگاه است. او دید که چگونه ۱۳ آبان که نقطه عطفی در مبارزات دانش آموزان است با راهنمای شی معلّمان انقلابی بوجود آمد. او دید که شاگردان مدیسپرنگی و بهروز دهقانی چگونه کمر به مبارزه آشتی ناپذیر با رژیم شاه بستند و چگونه خود این معلّمان راستین در کلاسها با عتاکاهای دانش آموزان و در نتیجه توده‌ها شده و با امام این وضع خود سرنوشت رژیم شاه خواهد یافت. پس می‌بایست برای ماندن جنبش صباح بیشتر بر تخت فرماندهی فکر میکرد. اگر رژیم شاه بطور انفرادی معلّمان آگاه را به شکنجه‌گاه میبرد و مخفیانه جانشان را میگرفت و یا ستم‌دشوار میکرد این رژیم کسه صد البته کالای

جدیدصدراتی امپریالیسم و دست پخت اوست بطور دسته جمعی نزدیک به سی هزار معلم آگاه را از سرکلاسها بیرون کشید و از کار برکنار کرد و به نام " پاکسازی " و " بازسازی " مدارس را از " پاکان " پاک کرد و نظام سرمایه داری آسیب دیده از مبارزات توده ها را بانه کار گرفتن عناصر منحط و مزدور بازسازی نمود.

مستحکم باد پیوند معلمین انقلابی با چریکهای فدائی خلق

معلمین جنبش ۱۹ بهمن تهران

((هوادار چریکهای فدائی خلق ایران))



تنها با گسترش مبارزات خلقها.

و تنها در یک جنگ مسلحانه طولانی علیه امپریالیسم

و پایه گاه داخلی است که طبعه کارگرفتن و ادراست

رهبری مبارزات خلق را به ده گرفته

و میهن تحت سلطه ما را از زیر نفوذ

امپریالیسم بدر آورد.

((پیش بسوی تشکیل ارتش خلق!))

جنبش ۱۹ بهمن تهران

((هوادار چریکهای فدائی خلق ایران))

تراکت شماره ۳۱

تاریخ: ۶/۲/۱۱

شهره‌زگان

☆ گزارش جهلم شهید صنم قریشی ☆



خون ستاره خونین خلق میلشیاای قهرمان صنم قریشی
دستهای تا آرنج به خون آلوده رژیم وابسته امپریالیسم
جمهوری اسلامی را آلوده تر ساخت و لکه تنگین دیگری بر
پیشانی همیشه در حال سجده به امپریالیسم جمهوری
اسلامی نشاند.

ما ضمن گرامیداشت چهلمین روز شهادت میلشیاای قهرمان صنم قریشی ،
خواستار محاکمه واعدام انقصابی مزدور کثیف وعمله‌نظم امپریالیسم
عبدالصمد شمشیری در پیشگاه خلق قهرمانان هستیم!

جنبش دانش آموزی مازندران
چریکهای فدائی خلق ایران - هرزگان

مرگ بر امپریالیسم وسنگهای زنجیر پیش!

تجدید

بدنیال ترا -
کشی که از طیف رف
دانش آموزان
مسلمان هوادار
ما زمان معاهدین
خلق مبنی بر
دعوت از مردم
بندر عباس جهت
شوکت در مراسم
جهلم شهید صنم
قریشی در بهشت
- زهرا در روز قبل
بناش شده بود. در
روز جهلم مردم به
قعد شرکت در این
مراسم بطرف بهشت
- زهرا حرکت

کردند. فالانژها که اکثر آنها غیر بومی بودند مسلح به جا قو و چوب - اکیب شمشیری ملیس به لباسهای سیاه
و مسلح به بیوزی و ژ-۳ و بیاساران با سلاح ژ-۳ نیز خود را برای حمله به مردم آماده کرده بودند.
بعضی ورود مردم به بهشت زهرا ناگهان فالانژها جا قو و سگ و چوب بطرف مردم بی دفاع حمله بردند.
اجتماع کنندگان که مورد ضرب و شتم قرار میگرفتند، با پرتاب سنگ بی دفاع از خود سزا شدند که ناگهان صدای
گلوله‌های ژ-۳ فضا را پر نمود. آنها که سلاح اولیه شان سی اثر شده بود، به سلاحهای آتشین متوسل گشتند و
وقیحا به طرف مردم تیراندازی نمودند. در همان لحظات اول یک نفر به اسم سایانی کشته شد. مردم کسه
جزمشتی از خاک گورستان چیزی در دست نداشتند، بطرف تپه‌ای که پشت قبرستان قرار داشت، فرار میکردند.
وزخمی‌ها پشت سر هم از حرکت باز میماندند. مزدوران نیز چون شکارچی بدنیاال مردم میدویدند و با لاشه
با معاصره آنها تعدادی حدود ۱۵۰۰ نفر دستگیر و عده زیادی نیز زخمی شدند. در این زمان مادر صنم که بر روی قبر
عزیزش مویه میکرد، ناگاه مورد تهاجم این خود فروختگان امپریالیسم قرار گرفت. آنها وقیحا به قصد
داشتند حیدر را از زیر خاک بیرون آورند. مادر شهید که مانع کار آنها میشد شدت مغروب ساختند و خواهر او را
نیز دستگیر نمودند. مادر صنم فریاد میزد: "این سازشکاران قادر نیستند تقاص خون عزیزم را از این مزر-
دوران بگیرند." بدنیاال این حرف ناگهان طنین شعار مرگ بر پاسدار - مسلسل، مسلسل جواب فد خلق است،
فضا را پر نمود و بدنیاال آن مردم خشمگین بطرف ماشین سیاه حمله بردند. مزدوران از ترس خشم مردم پاسه
فرار گذاشتند. مردم با دلی مللوا ز کینه میگفتند: با دست خالی به اینجا آمدن حماقت محض بوده است.
آری دوریست زمانی که دستان این زحمتکشان سلاح برگیرند و انتقام خون عزیزانشان را از این جیره -
خواران امپریالیسم بگیرند.

زخمیها را به بیمارستان محمدی بردند و بعد از آن باز جود آنکه شرایط بدنی آنها املا" خوب نبود، آنها
را به سپاه پاسداران انتقال داده اند.

تعداد زیادی از دستگیرشدگان را بجای بردن بزدان به خانه‌های شخصی برده اند. (خانه‌های تیمی سپاه)

۶۰/۲/۱۲

گرامی باد خاطر و شهیدای خلق

شماره ۱۲ صفحه

گرمند بود و بیمن خاطر با حمله به نظامها و مردم و دستگیری گروه زیادی . اعلام کردند که آنها همه تا بعد مدافعان خود است . تا این وجود تحت فشار شدید مردم مسئولین شاه محسور بدستگیری و محاکمه همیا کسی .

مردم شهرت رسیدن خبر مراسم تلاق زنی موسوی در اسناد سوم شهر جمع شدند آنها حقوق بدسترسند که ما هست همه مردم مداران یکی است و بیمن خاطر میکنند : آنها همکاران را اطلاع مصوبی سرسند . کی دیگر از فرماندهان شاه مداران مردنیام علی بورکسبل جمعیت و ختم و کینه مردم را مشاهده میکنند . آنها را تهدید کرده در صورت شعار دادن علیه روحانیت و با دولت دستگیر خواهند شد . بدینال انتقال این روحانی به زندان تبریز و عکس العمل و مسخر کردن آنها در مقابل او ، به نظر آریندان آنها اهل مرند در زندان محروم شده اند . بدست در رابطه با سابقه مبارزاتی موسوی بداند که او را محسور گویان رژیم شاه بوده و در زمان تسلیم تعدادی از مبارزین "جام" را بومند و بعد از حکومت رسیدن خاکس و فشار برین جنم مردم "جام" به مریدی آمد .



مبارزین
ایران را اسرائیل سیاه‌کل می‌کنیم
۱۹ شهریور
آغاز مبارزه
ملخاه حرکتهای
فدائشی خلق
ایران در ساکتین
مناکاهی سرسند
دادند که مورد
استقبال مردم
تبریز گویان .
عکسهای مقابل
مخه هائلی از این
مناکاه را نشان
میدهند .



بقیه از صفحه ۴

" توقیف روزنامه میزان و مدیرمسئول آن ، حملات جسورانه غیرقانونی قبلی که به سایر مطبوعات و اجتماعات و دفترها و احزاب شده است ؛ جریان محاکمه امیرانتظام ، طرح قانونی محدودیت احزاب ، زمینه سازی برای روز - ناما انقلاب اسلامی و رئیس جمهوری ، علیرغم اطلاعیه اسفندماه گذشته امام ، نمونه های یادآور اعلامیهای مکرر پاپیان مبارزه پارلمانی گذشته است . تحریم و تعطیل مبارزه کار را طبق سنت تاریخی والهپی و همانطور که آثارش ظاهر شده است ، مبارزه مسلحانه و آشوب داخلی میکشاند که وظیفه خود دانستم هشدار دهم ."

پس معلوم میشود که توقیف روزنامه میزان و زمینه جینی برای انقلاب اسلامی نمونه های تحاوز به مطبوعات هستند . یعنی وقتی آقای بازرگان از نقض آزادی مطبوعات صحبت میکند ، وقتی آقای بازرگان داد و فریاد میکند که در این مملکت آزادی مطبوعات نیست ، منظورش تنها مطبوعات از قبیل میزان و انقلاب اسلامی است ، نه مطبوعات که زبان حال خلق میتوانند باشند . آقای بازرگان از این امر ناراحت است که حریف او در دستگاه حکومتی مطبوعات خود را دارد ، ولی مزاحم کار او امثال آقای بازرگان میشود ، نه اینکه خواهان آن باشد که آزادی قلم برای زحمتکشان و نمایندگان آنها نیز تحقق یابد . و وقتی آقای بازرگان از تهمت و افترا صحبت میکند ، و برای افراد مظلوم دل میسوزاند ، منظورش امیرانتظام و رئیس جمهور هستند بنا بر این آقای بازرگان بهیچوجه دلواپس توده ها نیست ، بلکه در بندن آن و آب خویش است . بازرگان با خود اینطور فکر میکند که وقتی مردم میبینند مجلس مثل مجلس شاه است ، حتی ظاهرا مرعایت نمیشود ، و عملاً " کاره ای نیست ، خوب مسلماً " حتی برای مدتی هم که شده به آن دلخوش نمیکند و از این طریق نمیتوان توده ها را فریب داد ، و خیال آقای بازرگان جنبش آنها را تحت کنترل در آورد . آقای بازرگان وقتی میبیند امورها چگونه به پیش میروند که در زمان شاه ، بنظر خود او مبارزه مسلحانه اجتناب ناپذیر میشود . و این تصور را سر او آقای بازرگان را میلرزاند . او وقتی میباید که با هیچ مانعی نمیتوان جلوی این مبارزه نیرومند را گرفت ، وقتی میبیند با ترس زمین افتادن یک نفر ، ده نفر بیا میخیزند ، سرگیجه میگردوبه عجز و لابه میافتد ؛ با خواهش و تمنا میخواهد همکاران و همدستان خود را بر سر عقل آورد و با گریه و تضرع میگوید :

" آقایان عزیز بیا شید محض رضای خدا وجودتان دست از انحصار بردارید . ملت را بشناسید و ما سخنان بیدانید . مبارزه پارلمانی و انتقاد را بپذیرید و قانون اساسی را آنطور که هست و بتمام رعایت کنید . ما چیزی خلاف و خارج از قانون اساسی که به فریاد مردم ملت رسیده است ، نمیخواهیم ."

وقتی آقای مهندس میگوید ملت را بشناسید و ما سخنان بیدانید ، منظور او از کلمه ملت ، دارودستان خودشان است ، " ملت را بشناسید و ما سخنان بیدانید " و در دنبالش میگوید : " ما چیزی خلاف و خارج از قانون اساسی که به فریاد مردم ملت رسیده است ، نمیخواهیم . " مهندس میفهمد که وقتی طوفان شود ، در درجه اول همه آنها ، یعنی " روحانیون " و " روشنفکران " (البته منظور آقای بازرگان از روشنفکران کسانی امثال خودشان هستند) زیر کشیده میشوند . او " مکتبی های " جنايتكار را به همکاری بیشتر دعوت می - کند و به آنها میگوید : " ما حاضریم ، شما قدم پیش بگذارید " او میگوید :

" شما که دولت دارید ، سپاه و پادشاه و کمیته دارید ، جهاد سازندگی دارید ، حزب الله دارید ، صدا و سیما دارید ، خطبه جمعه و پیش خطبه دارید ، مجلس دارید ، دولت دارید و هرکاری میتوانید بکنید ، کمی کوتاه بیا شید ، دست از انحصار بردارید و سهم ما را هم بدهید . " اساس تقسیم این سهم هم همان قانون اساسی

و اساس تقسیم این سهم هم همان قانون اساسی ضد خلقی ، ضد مردمی ، ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی میباشد .

بازرگان و قیاحانه میگوید اگر آزادی و عدالت باشد ، پیروزی بردشمنان و مشکلات بهترتأء مین خواهد شد . ما دیدیم که منظور از آزادی ، آزادی امثال بازرگان و منظور از عدالت ، رعایت حقوق و سهم کردن هر چه بیشتر این بخش از دشمنان مردم ما ، توسط بخش دیگری از دشمنان قسم خورده خلق ما است که اکنون

مرگ بر فریبکاران و دغلبکاران

کمکهای مالی رسیده

اصل	فایده شهر	وود سر	ک	بندر عباس	اصهان
الف: ۹۹۹	الف ۹۵۰	بدون اسم و کد	م	۳۳۲۰	الف ۵۱۲۱
ب: ۲۱۲۷	ب ۵۱۳	۵۷۰۰ ریال	م	۲۲۳۰	الف ۲۱۱۸
ج: ۱۲۳۶	ب ۱۰۱۲		م	۱۵۱۴	ب ۲۱۲
د: ۸۵۰	ج ۲۰۱۲	لمتگروود	م	۱۵۰۰	د ۶۰۷۷۷
ه: ۱۰۸۱۱	د - ع ۱۰۰۰	بدون اسم	م	۱۸۲۴	ر ۵۵۸
و: ۱۰۲۵	ع ۲۰۰	الف ۱۲۳	م	۱۳۲۴	س ۵۰۲
ز: ۱۳۱۱۱	و ۳۰۰۲		م	۵۲۵	ش ۱۳۲۴
ح: ۲۵۰	ز ۲۵۰	لاهیجان	م	۲۵۰۲	س ۲۰۱۲
ط: ۵۵۵۵	ح ۸۵۰	ی ۹۰۵۰	ن	۳۳۳۰	غ ۲۹۱۵
ی: ۱۰۸۷۲	ط ۱۰۸۷۲	بدون حرف	ن	۲۴۴	غ ۵۰۵
الف: ۳۳۲ کوبین رسد	الف ۵۱۲۵		ن	۲۰۱۹	ک ۵۶۶
ب: ۱۰۰۰	الف ۱۰۰۰	رشت	ن	۱۱۲۰	م ۲۰۵
ج: ۱۵۶	ب ۵۲۳۵	تهران	ه	۲۷۲	م - رفیق کارکوب ۱۰۰۰
د: ۵۲۳۸	ج ۱۳۰۰	رشتی کارگر	ه	۱۱۰۲	م - رفیق کارکوب ۱۰۹۵
ه: ۷۰۰	د ۱۲۵۵	ر - ا	ه	۱۱۰۰	م ۱۰۲۶
و: ۵۰۰	ه ۵۵۲		ه	۱۰۰۰	قدیم ۲۵
ز: ۶۰۰	و ۵۹۹۹		ی	۱۵۰۵	رفقای آرامنه ۵۰۰
ح: ۱۰۵۵	ز ۹۵۰		ی	۱۵۰۵	رفقای کوجولوی
ط: ۵۰۲۷	ح ۵۰۲۷	رفیق م کارکوب	ی	۲۰۰	جنگ زده
ی: ۶۵۰	ط ۶۵۰	کتابی	ی	۶۰	ب ۱۰۹۹
الف: ۲۵۵	ی ۲۵۵	حاج سواد کازمان	ی	۶۰	ش ۱۰۶۵
ب: ۵۰۱۸	الف ۳۱۲		ی	۵۰۰	الف - ۱۱۱ کوبین
ج: ۵۵۲	ب ۲۲۸۲	رفیق کارگر	ی	۵۱۰	روغن رسد
د: ۵۰۱	ج ۵۰۵۲	هدیه شام رسد	ی	۶۶۶ - دارو رسد	کامی عزیز هدیه
ه: ۳۲۲	د ۲۰۵۵	۳۹ - کوبین رسد	ی	۲۲۶۲	شمار رسد
و: ۱۲۷۵	ه - الف ۲۶۲ کوبین رسد	الف ۵۰۵۰	ی	۱۷	کروان شاه
ز: ۱۲۲۵	و - الف ۱۶۰	سیرین رسد	ی	۲۶	آر ۱۰۰
ح: ۲۱۲	ز - الف ۲۰۰	تام آسی - کوبین	ی	۲۷	شهاب ۳۰
د: ۱۰۵۲	ح - الف ۶۱۱۱	سیرین رسد	ی	۲۸	لشکر ۱۱۹
ه: ۱۰۱۲۵	د - ب ۲۰۰ کوبین رسد	ت - ۳۴۴ کمک داروشی	ی	۲۹	م ۵۰۵۵
و: ۱۶۶۶	ه - ت - کمک داروشی	رفیق سهراب هدیه	ی	۳۰	اسلیم ۷۰
ز: ۲۰۵۰۵	و - الف ۶۵۵	شمار رسد	ی	۳۱	۱۱ اسفند ۳۰
ح: ۲۶۶۰	ز - الف ۱۲۳۱	رفقای روز کمک	ی	۳۲	آذر شهر
د: ۵۰۰۰	ح - الف ۳۲۷۵	داروشی رسد	ی	۳۳	ع ۶۱۲
ه: ۱۱۲۷۹	د - الف ۱۲۳۵	رفقای مرید - کمک	ی	۳۴	ف ۲۱۹
و: ۵۰۱	ه - الف ۱۸۶۰	داروشی رسد	ی	۳۵	چ - کوبینای سوس
ز: ۲۶۰۰	و - الف ۱۶۵۲	چ - کوبینا - رسد	ی	۳۶	۱۰۷۲
ح: ۱۰۲۵	ز - الف ۱۲۶۲	توسولوی	ی	۳۷	۱۱۱
د: ۲۲۶۰	ح - الف ۵۱۰۰	الف ۵۱۰۰	ی	۳۸	۱۰۵
ه: ۲۰۴۲	د - الف ۵۲۵۰	الف ۵۲۵۰	ی	۳۹	۳۱۲۲
و: ۳۰۰۰	ه - الف ۵۷۹۰	الف ۵۷۹۰	ی	۴۰	۵۱۰۰
ز: ۵۹۹۱	و - الف ۲۰۱۵	ب ۲۰۱۵	ی	۴۱	۱۰۰۰۱
ح: ۸۸۰	ز - الف ۶۰۰	د ۶۰۰	ی	۴۲	۱۰۰۰۴
د: ۲۶۷۵	ح - الف ۵۰۴	ب ۵۰۴	ی	۴۳	۱۰۰۰۱
ه: ۶۰۰۰	د - الف ۲۰۰۱	ب ۲۰۰۱	ی	۴۴	۱۰۰۰۲
و: ۱۰۰۳۴	ه - الف ۲۹۹۹	ب ۲۹۹۹	ی	۴۵	۳۰۳۶
ز: ۹۷۵	و - الف ۱۰۲۲	ب ۱۰۲۲	ی	۴۶	۶۱۱
ح: ۲۱۲۲	ز - الف ۸۰۰	ب ۸۰۰	ی	۴۷	۱۰۲
د: ۵۲۶	ح - الف ۲۱۰	ب ۲۱۰	ی	۴۸	۱۰۰۹۹
ه: ۲۳۳۵	د - الف ۳۰۹۹	ب ۳۰۹۹	ی	۴۹	۱۰۰۰ کمک دارو
و: ۱۰۹۹	ه - الف ۲۰۶	ب ۲۰۶	ی	۵۰	ویشی رسد
ز: ۵۳۴	و - الف ۳۰۱۱	ب ۳۰۱۱	ی	۵۱	دختران دانش آموز
ح: ۱۱۷۶	ز - الف ۲۵۳۰	ب ۲۵۳۰	ی	۵۲	کمک داروشی رسد
د: ۲۱۲۲	ح - الف ۱۸۰۳	ب ۱۸۰۳	ی	۵۳	م - ۱۸ کمک داروشی
ه: ۵۲۶	د - الف ۵۹۹	ب ۵۹۹	ی	۵۴	م - ۱۸ کمک داروشی
و: ۲۳۳۵	ه - الف ۱۰۰۵	ب ۱۰۰۵	ی	۵۵	آراک
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۲۳۳۵	ب ۲۳۳۵	ی	۵۶	ت
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۵۷	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۵۸	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۵۹	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۰	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۱	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۲	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۳	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۴	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۵	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۶	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۷	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۸	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۶۹	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۰	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۱	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۲	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۳	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۴	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۵	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۶	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۷	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۸	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۷۹	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۰	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۱	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۲	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۳	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۴	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۵	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۶	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۷	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۸	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۸۹	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۰	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۱	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۲	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۳	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۴	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۵	اصفهان
ز: ۱۰۰۰	و - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۶	اصفهان
ح: ۱۰۰۰	ز - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۷	اصفهان
د: ۱۰۰۰	ح - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۸	اصفهان
ه: ۱۰۰۰	د - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۹۹	اصفهان
و: ۱۰۰۰	ه - الف ۱۰۰۰	ب ۱۰۰۰	ی	۱۰۰	اصفهان

بیشتر ارگانهای این دولت وابسته دست آنها اداره میشود. اکنون بازرگان میگوید اگر حقوق ما رعایت نشود، بیروزی بردشمنان و مشکلات بیترتاء مین خواهد شد. این دشمنان چه کسانی هستند و این "مشکلات" چه مشکلاتی هستند؟ این دشمنان همان کمونیستها و نوده های محرومی هستند که توسط آنها "تحریک" می - شوند. این دشمنان همان خلق کرد قهرمان است که از زمان بحسب وزیر آقای بازرگان مورد هجوم قرار گرفتند و کشت و کشتار آنها همچنان ادامه دارد. این دشمنان همان خلق ترکمن هستند که در زمان آقای بازرگان سرکوب شدند. این دشمنان همان کارگران "پرو" و "نق نقو" هستند که سرکوبی آنها از زمان آقای بازرگان شروع شد و همچنان توسط رژیم جمهوری اسلامی دنبال میشود. آقای بازرگان با این جنایات مخالفتی ندارد. در همان زمان او بود که دست در دست "انحصار طلبان" فصل جدیدی از کشتار و جنایات را در این مملکت گشود. در حقیقت آقای بازرگان به مکتبی های خیانت پیشه، جماعدار، و حمایت پیشه جمهوری اسلامی پیشنهاد میکند بیاید دست در دست هم به هم این کارها دست بزنیم، آنهم بنام ملت، بنام نمایندگان ملت. اینطور که معلوم است، آقای بازرگان از حزب جمهوری اسلامی و شرکایش میخواهد که بیا بند و حریف اربابان عاقل تر را گوش کنند. در هر حال آقای بازرگان باید این حقیقت را در یاد داشته باشد که در مبارزه حق - طلبانه خود سرعت تجربه می اندوزند و توده های ما این حقیقت مسلم را دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی - تواند در دردهای آنها را درمان کند، و تبلیغ شیوه هایی چون مبارزه قانونی آنقدر گمراه کننده است که برای هیچ نیروی جز نیروهای خائن خلق، از قبیل اکثریت، حزب توده و امثالهم جذابیت ندارد. و توده های ما روز بروز این حقیقت را بنحور و بنشدردرک میکنند که تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است.



شماره	موضوع	مبلغ (ریال)	تاریخ
۱۰	کوبین ارزاق رسید	۸۰۰۷	۴
۱۱	اهواز	۳۰۰۰	۲
۱۲	کوبین ارزاق رسید	۲۰۳۹	۳
۱۳	کوبین ارزاق رسید	۲۰۰۹	۴
۱۴	کمک داروئی رفیق کارگر کاخخانه هدیه شمارند	۸۰۰	۱
۱۵	کوبین ارزاق رسید	۳۱۰۰	۳
۱۶	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۱۷	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۱۸	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۱۹	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۰	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۱	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۲	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۳	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۴	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۵	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۶	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۷	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۸	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۲۹	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۰	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۱	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۲	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۳	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۴	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۵	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۶	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۷	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۸	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۳۹	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۰	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۱	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۲	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۳	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۴	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۵	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۶	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۷	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۸	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۴۹	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴
۵۰	کوبین ارزاق رسید	۵۰۰	۴

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

رقمهای مسئول توزیع خبرنامه
بهای خبرنامه ۳۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در سبب زحمتکشان بولی دریافت نکنید.